۶۷۱
۱۶۴۳۷ ۲۵ عره

رساله در نجوم

۶۷۱
۱۶۴۳۷

رساله در نجوم
فارسی
شمس الدین محمد بن محمد باقر
دشتهاوردی
سنه
۱۰۰۱

(۲۵)

۱۶۴۳۷

نجوم
ابن محمد باقر شمس الدین محمد دشتهاوردی

۶/۶۵۰

سنه ۱۰۰۱

۶۷۱
۱۶۴۳۷

۲۵ ع

رساله در نجوم

۶۷۱
۱۶۴۳۷

رساله در نجوم
فارسی
شمس الدین محمد بن محمد باقر
دشتهاردی
سنه
۱۰۰۱

۶۷۱

۲۵

۱۶۴۳۷

نجوم
ابن محمد باقر شمس الدین محمد اشتهاردی

۶
۱۵۰

سنه ۱۰۰۱

بسم الله الرحمن الرحیم

ثنای نامحصور صانعی را که رقم افلاک و انجم نقش خانهٔ اختراع اوست و بدایع کائنات نمونهٔ
کارخانهٔ ابداع او و درود نامحدود مخبری را که وجود فایض الجودش فهرست صحیفهٔ آفرینش است
و آل عالی‌نسبت محمودانش زیب جریدهٔ دانش و بینش خصوصاً سلطان الاولیا و برهان
الاصفیا امام المشارق والمغارب ع آنکه به سرپنجهٔ زور بازوی کنده در قلعهٔ خیبر از جای
چنین گوید کمینه خاک ره و ذرهٔ بی‌مقدار العبد المذنب ابن محمد باقر شمس الدین محمد الشیرازی
که مجموع نسخه‌ای از زوایدات از کتب معتبره استادان ماهر و دانشمندان ماهر بیرون و
نوشته شده تا به فیض انظار ارباب دین و دولت حاصل امید که به تاج قبول فرق دل خرم گشته
سعادت قبول دریابد و سهام ملاحظه بر مرام آید ان شاء الله تعالی

جدول الاختیارات احکام اتصالات القمر بالکواکب السبعة فی البروج

برج	تسدیس و تثلیث قمر با زحل در بروج	برج	تسدیس و تثلیث قمر با مشتری در بروج
حمل	صالح است برای خواستن حاجات از اشراف	حمل	محمود است برای ابتدای کارها و حاجت خواستن
ثور	محمود است برای بنا نهادن و درخت نشاندن	ثور	محمود است برای [illegible] امور صلح و عبادات
جوزا	محمود است طلب حاجت از رفقات و مشارکت	جوزا	محمود است برای تحصیل علوم و شرکت
سرطان	صالح است برای تجارت و زراعت	سرطان	محمود است برای ابتدای کارها و سفر
اسد	محمود است برای خریدن چهارپایان و دیگر اشیا	اسد	محمود است برای جواهر پوشیدن و حاجت از وزرا
سنبله	محمود است برای خواستن از کارها و اشراف	سنبله	صالح است برای ملاقات و نشستن و طلب حاجت از ارباب
میزان	حمید است برای دوا خوردن و کارها کردن	میزان	محمود است برای ساختن معاجین و ترکیب
عقرب	حمید است برای بیع و شرب و طلب حاجت	عقرب	صالح است برای پوشیدن زینت و جواهر
قوس	صالح است برای خریدن چهارپایان و عمارت زینها	قوس	محمود است برای پوشیدن [illegible] و شرکت
جدی	محمود است برای بنای مساجد و طلب حاجات	جدی	صالح است برای پوشیدن جامه و بنا و عمارت مساجد
دلو	صالح است برای حاجت خواستن از شاه	دلو	صالح است برای صحبت خواستن از رفقات
حوت	صالح است برای اجرای قنوات و شرب	حوت	محمود است برای سفر و تجارت و کشتی نشستن

بقیه جدول الاختیارات

برج	تسدیس و تثلیث قمر با مریخ در بروج	برج	تسدیس و تثلیث قمر با شمس در بروج
حمل	مختار است برای صید و سفر و سواری‌ها	حمل	مختار است برای ابتدای اعمال و حاجت از ملوک
ثور	جید است برای تجهیز لشکر و ساختن اسلحه	ثور	جید است برای [illegible] و دیدن [illegible]
جوزا	جید است برای حرب و [illegible] و اصلاح [illegible]	جوزا	جید است معالجه و شکار و طلب از ملوک
سرطان	مختار است برای شکار دریا و سواری	سرطان	مختار است برای طلب [illegible] و حاجت از وزرا
اسد	صالح است برای اعمال آهنگری و حجامت	اسد	مختار است برای عقد [illegible] و ابتداآت
سنبله	صالح است برای اسپان و اصلاح آلات حرب	سنبله	مختار است برای شکار و طلب حاجت از وزرا
میزان	جید است برای تجهیز لشکر صید و ساختن اسلحه	میزان	مختار است صید و سفر و شکار و دیدن [illegible]
عقرب	مختار است برای صید دریا و سیاست در رعیت	عقرب	صالح است برای معالجه و شکار و [illegible]
قوس	صالح است برای اصلاح آلات حرب و [illegible]	قوس	مختار است برای [illegible] و حاجت از ملوک
جدی	صالح است برای سواری و حرب و شکار	جدی	صالح است برای عمارت زمینها و دیدن حصارها باغ
دلو	صالح است شکار و عمارت شهرها	دلو	مختار است برای بنا نهادن و حاجت [illegible]
حوت	صالح است برای ساختن اسلحه و جواهر و [illegible]	حوت	جید است برای جواهر [illegible] و سواری

برج	تسدیس و تثلیث قمر با زهره در بروج	برج	تسدیس و تثلیث قمر با عطارد در بروج
حمل	مختار است برای سفر و تزویج و ابتداآت	حمل	مختار است برای مناظره و شکار و تعلیم
ثور	مختار است برای تزویج و تعلیم موسیقی	ثور	صالح است برای نحو و تعلیم موسیقی
جوزا	مختار است برای نقل و شوکت و نکاح	جوزا	مختار است برای ابتدای تعلیم و امور عطاردی
سرطان	مختار است برای وصلت و تزویج و شرکت	سرطان	مختار است برای تجارت و حرکت و تعلیم
اسد	جید است برای صید و شکار	اسد	جید است برای تعلیم و خریدن جواهر و حاجت از کتاب
سنبله	مختار است برای تزویج و خرید غلامان و [illegible]	سنبله	مختار است برای تعلیم و تجارت و نو پوشیدن
میزان	مختار است برای شرب و دوا و مهمانی	میزان	صالح است برای تعلیم صناعت و مناظره و شکار
عقرب	مختار است برای ساختن پیرایه و شراکت	عقرب	جید است برای معالجه و دارو خوردن و مناظره و صید
قوس	جید است برای عمارت زمین و تعلیم موسیقی	قوس	مختار است برای خریدن عقار و تعلیم حسابها
جدی	صالح است برای عمارت بنا و خوردن شراب	جدی	صالح است برای خریدن ضیاع و بنده و شکار
دلو	مختار است برای سفر و تزویج و دارو خوردن	دلو	صالح است برای تعلیم فقه و حاجت از علما
حوت	مختار است برای خریدن جواهر و چهارپایان	حوت	صالح است برای شرکت و خریدن جواهر

بقیه جدول الاختیارات لاتصالات القمر بالکواکب السبعة فی البروج

برج	تربیع قمر با زحل در بروج	برج	تربیع قمر با مشتری در بروج
حمل	نباید تزویج و سفر و ابتدای اعمال	حمل	صالح است برای طلب معاش و حاجت از اشراف
ثور	باک نیست عمارت و محذورات حرکت	ثور	مختار است برای بنا نهادن عمارت و مساجد
جوزا	از جمیع کارها حذر به	جوزا	جید است برای شرکت و طلب حاجت از وزرا
سرطان	حذر کند از نقل و میانه است کار بزرگ نمودن	سرطان	مختار است برای سفر و نقل و فرستادن رسولان
اسد	میانه است بنا نهادن و جوی کندن	اسد	صالح است برای عمارت زمینها و خریدن چهارپایان
سنبله	مذموم است برای حرکت و شرکت و حوائج	سنبله	جید است برای بیع جواهر و خرید دواب
میزان	هیچ [illegible]	میزان	جید است برای شرکت و تجارت و نو پوشیدن
عقرب	حذر کند از سفر و نقل و حرکت و ابتداآت	عقرب	باک نیست خریدن دواب و حاجت از ارباب [illegible]
قوس	فراغ بهتر	قوس	صالح است برای امور دینی و حاجت از علما
جدی	میانه است عمارت زمینها و زراعت	جدی	صالح است برای عمارت و خریدن چهارپایان
دلو	مکروه است ابتداآت و میانه است بنا	دلو	جید است برای بنا شهرها و خریدن غلامان
حوت	حذر کند از شرکت و سفر دریا	حوت	مختار است برای شرکت سفر و تجارت

برج	تربیع قمر با مریخ در بروج	برج	تربیع قمر با شمس در بروج
حمل	مذموم است برای حرب و خصومت و [illegible]	حمل	حذر کند از خصومت و طلب حاجات
ثور	حذر کند از سفر و تزویج و ابتدای کارها	ثور	جید است برای ساختن تاج و کمر و زیور [illegible]
جوزا	باک نیست مناظره و مجادله	جوزا	هیچ کار نشاید الا سیاست و حرب
سرطان	باک نیست برای صید و چوگان زدن	سرطان	مختار است برای کندن جوی و کاریز و [illegible]
اسد	حذر کند از حاجت خواستن از ملوک	اسد	مختار است برای اجرای قنوات و طلب جاه
سنبله	مکروه است برای دیدن اکابر و اشراف	سنبله	میانه است برای داغ نهادن و [illegible] کاریز کندن
میزان	سکون خلوت بهتر	میزان	هیچ کار نشاید
عقرب	حذر کند از سفر و تزویج و [illegible]	عقرب	مذموم است برای سفر و حوائج و ابتداآت
قوس	صالح است برای اصلاح آلات حرب	قوس	باک نیست خریدن جواهر و غلامان ترک
جدی	حکم این برج مانند قوس است	جدی	صالح است برای کندن جوی و بریدن کاریز
دلو	سکون بهتر	دلو	میانه است برای بنا نهادن
حوت	حذر کند از سفر کردن و در کشتی نشستن	حوت	محمود است برای سکنه و خلوت و فراغت

بقیه جدول الاختیارات

برج	تربیع قمر با زهره در بروج	برج	تربیع قمر با عطارد در بروج
حمل	جید است برای شکار و تعبیه لشکر و شراب خوردن	حمل	صالح است برای مجادله محاربه و خصومت
ثور	صالح است برای تزویج و ابتدائات و حوائج	ثور	میانه است برای حاجتها
جوزا	صالح است برای سفر و کندن کاریز	جوزا	جید است برای ابتدای تعلیم
سرطان	صالح است برای معامله و معالجه و تزویج موسیقی	سرطان	میانه است برای تعلیم و سواری
اسد	صالح است برای عمل حاجت و خریدن جواهر	اسد	جید است برای محاسبه و تصحیح کتاب
سنبله	صالح است برای تزویج و سفر و ابتدائات	سنبله	مختار است برای تعلیم و مناظره و مجادله
میزان	صالح است برای شراب خوردن و عطر ساختن	میزان	صالح است برای خریدن کنیزان و چهارپایان
عقرب	مختار است برای دارو خوردن و معالجه	عقرب	صالح است برای معالجه و دارو خوردن
قوس	صالح است برای خریدن ستور و جواهر	قوس	صالح است برای مناظره و خریدن دواب
جدی	صالح است برای دارو خوردن و خرید عبید	جدی	میانه است برای ابتدائات و شب دارو خوردن
دلو	صالح است برای بنا نهادن و برده خریدن	دلو	هیچ کار نشاید
حوت	صالح است برای شرکت و نقل و حرکت	حوت	باک نیست خریدن بنده

برج	مقابله قمر با زحل در بروج	برج	مقابله قمر با مشتری در بروج ۱۲
حمل	حذر کند از ابتدائات و حرکت	حمل	صالح است برای نقل و سواری و مشعبه
ثور	حذر کند از سفر و تزویج خصوص در اول ماه	ثور	جید است بنا نهادن
جوزا	حذر کند از تجارت و سواری و حوائج	جوزا	صالح است برای سفر و خریدن ستور و مشعبه
سرطان	حذر کند از ابتدائات و سفر کردن	سرطان	مختار است برای سفر و نقل و حرکت
اسد	فراغ بهتر	اسد	صالح است برای بنا نهادن و ابتدائات
سنبله	حذر کند از نو بریدن و پوشیدن	سنبله	صالح است برای شرکت تجارت و سفر
میزان	حذر کند از سفر و ساختن عطریات	میزان	صالح است برای خریدن چهارپایان و عبید
عقرب	حذر کند از سفر	عقرب	صالح است برای خریدن کنیزان و میانه است دارو خوردن
قوس	حذر کند از تزویج و خریدن بنده	قوس	صالح است برای شرکت و سفر و خریدن ستور
جدی	حذر کند از سفر و تزویج و عمارت	جدی	صالح است برای تجارت و طلب حاجت
دلو	حذر کند از سفر و تجارت و بنا نهادن	دلو	صالح است برای بنا نهادن و حاجت خواستن
حوت	حذر کند از دریا و میانه است ابتدای کارها	حوت	مختار است برای سفر و کشتی نشستن و طلب جواهر

۱۲ [illegible]

بقیه جدول الاختیارات الاتصالات القمر بالکواکب السته فی البروج

برج	تربیع قمر با زحل در بروج	برج	تربیع قمر با مشتری در بروج
حمل	شاید اصلاح آلات حرب و شکار	حمل	حذر کند از دیدن سلاطین و طلب حاجت
ثور	باک نیست برای آراستن لشکر و حیله و مکر	ثور	حذر کند از سفر و خصومت مار و آواز اوتان
جوزا	صالح است برای سیاست و شب بد سواریها	جوزا	حذر کند از مناظره و سواری و خصومت
سرطان	ناستوده است سفر کردن	سرطان	نامحمود است برای ابتدائات و سفر و نقل و حرکت
اسد	غیر مختار است ابتدائات	اسد	مذموم است برای نقل و حرکت و دیدن ملوک
سنبله	صالح است برای صید و مناظره و جدال	سنبله	محذور است برای تزویج و شرکت و تجارت
میزان	صالح است برای شکار و مجادله و مناظره	میزان	مکروه است برای سفر و ابتداء امور
عقرب	حذر کند از سفر	عقرب	حذر کند از سفر و دارو خوردن و حجامت
قوس	باک نیست از شکاری و تیر انداختن را	قوس	باک نیست خریدن چهارپایان و کتاب
جدی	صالح است برای خراب کردن بناها	جدی	نشاید خراب کردن بناها
دلو	صالح است برای از شکار	دلو	حکمش مثل برج جدی است
حوت	باک نیست بصید دریا و ساختن اسلحه	حوت	حذر کند از نشستن در کشتی و عوض کردن

برج	تربیع قمر با مریخ در بروج	برج	تربیع قمر با شمس در بروج
حمل	صالح است برای خریدن کنیزک و چهارپایان	حمل	محمود است برای مناظره و محاسبه و شکار
ثور	مختار است برای نقل تحویل و تزویج	ثور	میانه است برای تزویج و شاید محاسبه
جوزا	مختار است برای سفر و خریدن کنیزک	جوزا	صالح است برای نقل و گوی زدن میانه است تعلیم
سرطان	صالح است برای مهمانی و حاجت خواستن	سرطان	صالح است برای صید دریا و سوار شدن
اسد	صالح است برای تزویج و حرکت و خریدن کنیز	اسد	هیچ فایده ندارد
سنبله	صالح است برای ضیافت و نقل و تحویل	سنبله	باک نیست برای تعلیم و بحمام رفتن
میزان	مختار است برای خوردن دارو	میزان	صالح است برای مناظره و علمهای لطیف
عقرب	صالح است برای شرکت و خریدن غلام	عقرب	صالح است برای معالجه و دارو خوردن و فصد
قوس	صالح است برای عمارت و حرکت	قوس	میانه است برای تجارت و حجامت
جدی	صالح است برای عمارت بناها	جدی	پسندیده نیست
دلو	صالح است برای زراعت عمارت بناها	دلو	باک نیست برای علم
حوت	صالح است برای حمام رفتن و شرکت سفر	حوت	باک نیست برای سفر و حرکت و تعلیم

بقیه جدول الاختیارات

برج	تربیع قمر با زهره در بروج	برج	تربیع قمر با عطارد در بروج
حمل	مذموم است برای سفر و حاجت و ابتدائات	حمل	مختار است برای طلب حاجت از اشراف
ثور	جید است برای بنا بشرکت مشتری	ثور	سعد است برای تجارت
جوزا	ستوده نیست	جوزا	جید است برای تجارت و شرکت و حوائج
سرطان	حذر کند از سفر و نسخ نشستن و عوض کردن	سرطان	مختار است برای سفر و امور خطیر
اسد	میانه است برای امور ملکی	اسد	مختار است عقد لوا و بناهای شهر و حاجت از ملوک
سنبله	باک نیست عمارت و زراعت و غیره	سنبله	جید است برای سفر و تجارت
میزان	باک نیست بنای مساجد و غیر آن	میزان	مختار است برای عمارت و خانها
عقرب	صالح است برای دارو خوردن و بشرکت زهره	عقرب	مختار است برای فصد و حجامت و دارو خوردن
قوس	پسندیده نیست برای اعمال و حاجات	قوس	مختار است برای خریدن ضیاع و حاجت از فقهات
جدی	میانه است برای عمارت زمینها و زراعت	جدی	مختار است برای حاجت از دیوانها
دلو	باک نیست بنا نهادن بشرکت مشتری	دلو	مختار است برای بنا نهادن و زمین خریدن
حوت	جید است بنا بر بنای عمارت و زراعت	حوت	مختار است برای ابتدائات و جمیع حوائج

برج	مقابله قمر با زحل در بروج	برج	مقابله قمر با مشتری در بروج
حمل	صالح است برای سیاست و امور سستی	حمل	مختار است برای خریدن برده و حاجت از زنان
ثور	حذر کند از سفر و ابتدای کارها	ثور	مختار است برای تزویج و خوردن شربت
جوزا	صالح است برای ساختن اسلحه	جوزا	مختار است برای خوردن شربت و شرکت ابتدائات تعلیم
سرطان	حذر کند از سفر و تحویل و حرکت	سرطان	مختار است برای سفر و نقل مقام و ابتدای کارها
اسد	حذر کند از سفر و باک نیست از آتش کارها	اسد	مختار است برای ساختن تاج و کمر
سنبله	حذر کند از شرکت و تزویج	سنبله	صالح است برای شرکت و نو پوشیدن و زینت
میزان	هیچ کاری را نشاید	میزان	صالح است برای تزویج و خوردن و نقل و تحویل
عقرب	ستوده نیست سفر و شرب و دواب	عقرب	مختار است برای دارو خوردن و مسهلات
قوس	صالح است برای اسباب و عمل اسلحه	قوس	مختار است برای شرکت و ساختن پیرایه و طلب حاجت
جدی	صالح است برای مخاصمه و کارهای سستی	جدی	مختار است برای عمارت زمینها و درخت نشاندن
دلو	حذر کند از ابتدائات	دلو	صالح است برای بنا نهادن عمارت و مساجد
حوت	باک نیست حاجت از ملوک خواستن	حوت	مختار است برای صید و ابتدائات و طلب حوائج

تقارن نحس [illegible]

بقیه جدول الاختیارات

برج	مقارنه قمر با شمس در بروج	برج	مقارنه قمر با عطارد در بروج
حمل	صالح است برای کمین کردن و مکر و حیله در حرب	حمل	مختار است برای تعلیم و مناظره و ابتدای امور
ثور	حذر کند از تزویج و ابتدای امور	ثور	صالح است برای ضیافت و تعلیم نقاشی
جوزا	شاید مکر و حیلت های پنهانی	جوزا	مختار است برای ابتدای تعلیم و صید و تزویج
سرطان	شاید کمین کردن و کمر بستن	سرطان	مختار است برای سفر و تجارت و شرکت
اسد	شاید سیاست و تدبیرات سستی	اسد	مختار است برای صید و طلب حاجات از ملوک
سنبله	شاید الا پنهان کردن سرها و مطالعه کتب	سنبله	صالح است برای حرکت و تزویج و دارو خوردن
میزان	شاید عطرها ساختن و نکاح پنهان	میزان	صالح است برای معالجه و تعلیم موسیقی
عقرب	شاید معالجه کردن و دفینه نهادن	عقرب	صالح است برای دارو خوردن و شکار
قوس	شاید دفن کردن مال و معالجه	قوس	صالح است برای خریدن مرغان شکاری
جدی	شاید تدبیر مشایخ به پنهانی و معالجه بیماری	جدی	صالح است برای تعلیم و طلب حاجت از مشایخ
دلو	شاید دفن اموال و نهادن کنوز	دلو	صالح است برای تعلیم و شکار کردن شاهین و باز
حوت	شاید پنهان کردن اسرار	حوت	صالح است برای شرکت و سفر و بیع و شری

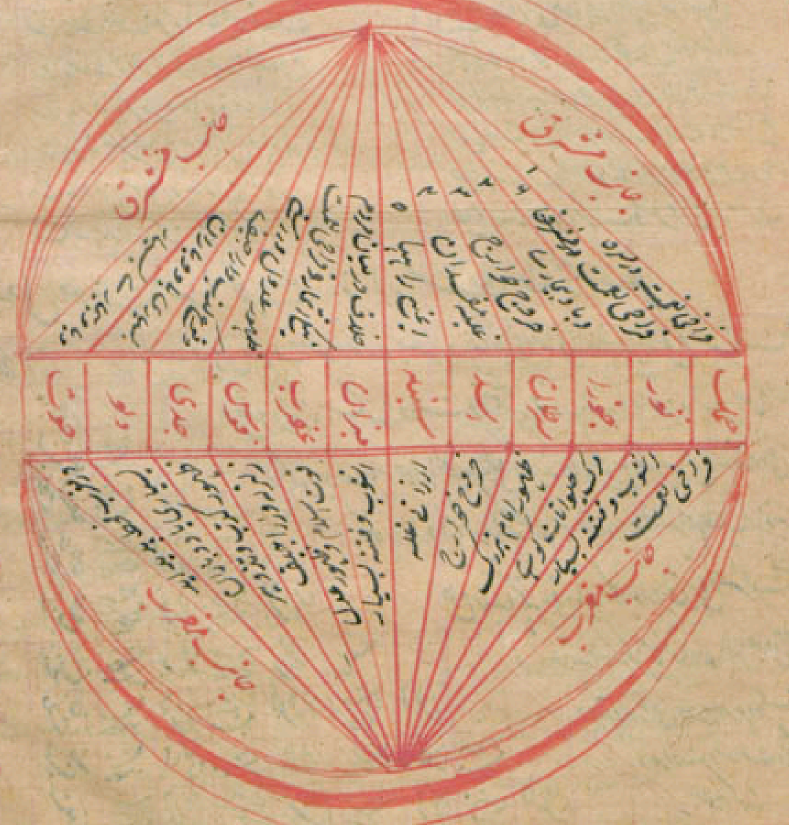
جدول معرفت ضمیر المحبت از ارسطاطالیس

اعداد	١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩
١	نیکوکارها	٢							
٢	بخیل	[illegible]	٣						
٣	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٤					
٤	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٥				
٥	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٦			
٦	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٧		
٧	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٨	
٨	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الفاق	[illegible]	٩
٩	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

ارسطاطالیس حکیم چون معلوم نموده که اسکندر در جهانگیری جدی تمام دارد لوح ضمیر المحبت را
وضع نموده تا اسکندر دوست و دشمن خود را بداند و قاعده دانستن چنان بوده
که باید عدد نام خود را بحساب جمل بگیرند و از مجموع نه نه طرح نمایند و باقی را
نگاه دارند و نام دیگر را که خصم باشد یا دوست از آن هم حساب کنند و نه نه
طرح نمایند آنچه باقی ماند نگاه دارند پس بروح ضمیر المحبت نظر
کنند و عدد نام که کمتر باشد در اول و اعداد جدول طرح بیاورند
و دیگری را در عرض و در برابر هر دو محبت و عداوت و مصالحت و خصومت
معلوم کنند

جدول الاحکام القوس القزح علی کون الشمس فی البروج

بدانکه این شکل را بهر معانی نامی خوانند چون قوس قزح و آذرین و کمان رستم و سبز زرین و زنار آسمان
و دستار شیطان و حکمای هر نقشه بران حکمی کرده‌اند چنانکه در کتب مسطور است و حکم آن بران غالب کنند چنانکه اگر سبزی بیشتر شود
گویند دلیل آن است و سلامتی و فراخی نعمت و بسیاری علف و آب و اگر سرخی زیادت بود گویند دلیل حرب و فتنه و قتل باشد و اگر زردی
بیشتر باشد گویند دلیل بیماری مردم و ستور باشد و اگر لاجوردی بیشتر بود دلیل هر وبا و طاعون باشد و منجمان چون قوس قزح
ببینند بنگرند تا از کدام جانب برآمده است و آفتاب در کدام برج است حکمش بران جدول کنند و همچنین از غیر وی ببینند
مشرق باشد و بعد زان ببرود همینه مغرب باشد و احکامش ازین جدول معلوم شود



جدول الاختیارات علی کون القمر فی البروج

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
دیدار ملوک	ک	و	ن	ک	ک	ن	و	و	ک	و	ن	ک
فصد و حجامت کردن	ک	و	و	و	ک	و	و	ن	ک	و	ک	ک
نو بریدن و نو پوشیدن	ک	و	ن	ک	و	ک	ک	و	ک	ک	ک	ک
دارو و مسهل خوردن	و	و	و	ک	و	و	ن	ک	و	و	ن	ک
سفر در بر کردن	و	ک	و	و	و	ک	ک	و	ن	ن	و	ک
بنا و بنیاد نهادن	و	ک	ک	و	ک	ک	و	ن	ن	ک	ک	ک
برده خریدن	و	ک	و	و	ک	ک	ن	و	ک	و	ن	ک
دخول بیت و بلد شدن	و	و	ک	و	ک	ک	و	و	ک	و	ک	ک
ابتدای کتابت و تعلیم	و	ک	ک	و	و	ک	ن	و	ک	و	ن	ک
زینت ساختن	و	ک	ن	و	و	ک	ک	و	ک	و	و	ک
شروع کردن	ک	ک	ک	ک	ک	ن	ک	و	ک	و	ک	ن
نامه و رسول فرستادن	ک	و	و	ک	و	ک	ک	و	ک	ک	و	ک
ناخن چیدن	ک	ن	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	و	ک	و
حمام رفتن	و	و	ک	ن	ک	و	ک	ک	و	و	ک	ک
بیع اجناس کردن	ک	ک	ک	و	ک	ک	ک	و	ک	و	و	ک
ستور خریدن	و	ک	ک	ک	ک	ک	و	ن	و	ن	ک	ک
موی ستردن	و	ن	ک	و	و	ن	ک	ک	و	و	و	ک
شرکت کردن	ن	ک	ک	ک	ک	ک	و	و	ک	و	ن	ک
رسن تافتن	ک	و	ک	و	ک	ک	ک	و	ک	ک	و	و
ختنه و خصی کردن	ک	و	ک	و	ک	ن	و	ک	ن	و	ن	و
طلب فرزند کردن	و	ک	ک	و	و	ک	ن	و	ک	و	و	ک
بنده آزاد کردن	ک	و	ک	ک	ک	ک	و	و	ک	و	ن	ک
نقل و تحویل نمودن	ک	و	ک	ک	ک	و	ک	ک	ک	ک	و	ک
دفینه نهادن	و	ک	و	ک	ن	و	و	و	ن	ن	ک	و
خروج از بلا اندر حصن	و	ک	ک	ک	ک	ن	ن	و	ک	ک	و	ک

بقیه جدول الاختیارات

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
درخت نشاندن	ر	ک	ن	ک	ر	ک	ر	ک	ر	ک	ک	ک
داغ گذاشتن	ک	ر	ر	ر	ک	ن	ر	ر	ک	ر	ر	ک
قی وغیره کردن	ک	ر	ک	ر	ر	ر	ن	ک	ن	ر	ک	ک
معالجه امراض کردن	ک	ر	ک	ر	ک	ر	ن	ر	ک	ر	ک	ن
ابتدای کارها نمودن	ر	ر	ک	ک	ر	ک	ن	ر	ن	ک	ر	ک
جاسوس فرستادن	ک	ر	ک	ک	ر	ک	ن	ر	ر	ن	ر	ن
معالجه سودای کردن	ک	ر	ن	ر	ر	ر	ن	ر	ک	ر	ن	ن
دست بعمارت نهادن	ر	ن	ک	ک	ر	ک	ک	ر	ن	ر	ک	ن
ضیاع وعقار خریدن	ر	ک	ک	ن	ن	ک	ک	ر	ک	ک	ن	ک
معالجه چشم کردن	ر	ر	ک	ر	ر	ن	ک	ر	ک	ر	ک	ن
به تجارت رفتن	ک	ر	ک	ک	ر	ک	ر	ر	ن	ن	ر	ک
حکم بر ولایت کردن	ر	ن	ک	ر	ک	ن	ر	ر	ک	ک	ن	ن
جاسوس فرستادن	ک	ر	ک	ک	ر	ک	ن	ر	ر	ن	ر	ن
زمین باجاره دادن	ک	ن	ر	ک	ر	ر	ک	ن	ک	ک	ر	ک
نام نهادن	ر	ک	ن	ر	ک	ن	ر	ر	ک	ر	ن	ک
فصل رنگ کنیدن	ر	ک	ک	ر	ک	ک	ک	ر	ن	ر	ر	ن
اسپ وشتر خریدن	ک	ک	ن	ن	ک	ر	ن	ن	ک	ک	ر	ک
صید وبر کردن	ن	ن	ک	ک	ک	ک	ن	ر	ر	ن	ر	ک
بکار آتش کردن	ن	ر	ن	ر	ک	ر	ک	ر	ک	ر	ن	ک
تخم افشاندن	ر	ک	ن	ک	ر	ک	ک	ر	ر	ک	ن	ن
طفل برگهواره بستن	ک	ن	ک	ک	ر	ک	ک	ر	ن	ن	ر	ک
زفاف کردن	ر	ک	ک	ر	ک	ن	ر	ر	ک	ر	ر	ک

بقیه جدول الاختیارات علی کون القمر فی البروج

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
طفل برگهواره بستن	ک	ن	ک	ک	ر	ک	ک	ر	ن	ن	ر	ک
حساب کردن	ک	ک	ک	ک	ر	ک	ن	ر	ک	ک	ر	ک
ابل صلاح دیدن	که	هم	هم	س	که	س	هم	که	که	که	س	س
دیدار خوانین دیدن	سد	که	ل	که	که	ل	که	سد	که	سد	سد	سد
مهمانی کردن	ک	ر	ک	ک	ر	ن	ک	ر	ن	ر	ن	ک
شبخون زدن	ر	ن	ن	ر	ک	ک	ر	ک	ن	ر	ک	ر
خراج بر ولایت نهادن	ک	ر	ک	ر	ک	ک	ر	ن	ن	ر	ک	ک
امانت سپردن	ک	ر	ک	ک	ر	ن	ک	ر	ک	ن	ر	ک
عهد بیعت کردن	ر	ک	ن	ن	ک	ک	ک	ر	ن	ر	ن	ک
قرض خواستن	ر	ر	ک	ر	ک	ر	ر	ک	ر	ر	ک	ک
خانه داری کردن	ک	ر	ک	ن	ک	ن	ن	ر	ک	ر	ر	ر
عبادت و ریاضت کش	ر	ر	ر	ر	ر	ک	ک	ر	ک	ر	ک	ک
وقف نامه نوشتن	ک	ک	ن	ر	ک	ک	ن	ن	ک	ر	ک	ک
لشکر فرستادن	ک	ن	ک	ک	ک	ر	ک	ک	ک	ک	ن	ک
وسمه عبدت زدن	ن	ک	ن	ر	ک	ن	ن	ر	ک	ر	ک	ن
نزهت و تماشا	ک	ک	ک	ن	ن	ک	ک	ر	ن	ر	ن	ک
فصد وحمس کردن	ک	ک	ن	ر	ن	ن	ر	ک	ک	ر	ک	ن
دعا کردن	ر	ک	ن	ک	ر	ر	ک	ر	ک	ر	ر	ک
عمل محبت و ترغیب	که	که	که	که	س	که	که	هم	که	که	هم	که
عمل عداوت ودشمنی	که	سد	سد	که	سد	ل	که	سد	سد	که	ل	ل
تعویذ نوشتن	ن	ک	ن	ک	ک	ک	ک	ر	ک	ر	ر	ن
عقد اللسان کردن	ر	ر	ک	ک	ر	ک	ر	ن	ک	ر	ر	ک

بقیه جدول الاختیارات

	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
کودک از شیر کردن	ر	ی	ی	ی	ی	ی	ر	ر	ی	ر	ن	ی
کودک بمکتب فرستادن	ن	ر	ی	ن	ر	ی	ی	ن	ی	ر	ی	ن
عهد و پیمان بستن	به	که	ب	به	که	که	ب	به	ب	به	که	ب
بحرب رفتن	کو	سر	ر	سر	کو	لد	لد	ر	کو	کو	ر	کو
در عمل شدن	ر	ی	ی	ر	ی	ی	ن	ر	ی	ر	ی	ی
بیع و شری کردن	ر	ی	ر	ی	ن	ن	ن	ن	ر	ن	ر	ی
جهاز دکان بر کشیدن	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ن	ی	ی
بار بستن	ی	ر	ن	ی	ر	ی	ی	ر	ر	ی	ر	ی
بار گشودن	ی	ر	ن	ی	ر	ی	ن	ن	ر	ی	ر	ی
کشتی در دریا بردن	ی	ر	ن	ی	ر	ن	ی	ر	ن	ی	ر	ن
املاک خریدن	ن	ی	ن	ر	ی	ی	ر	ی	ن	ی	ی	ی
صید در بحر کردن	ن	ن	ر	ی	ن	ر	ی	ی	ن	ر	ن	ی
کارهای نهانی کردن	ر	ی	ر	ی	ی	ی	ر	ی	ن	ر	ی	ن
سلاح خریدن	ی	ر	ی	ر	ی	ر	ر	ن	ی	ن	ی	ن
عرض لشکر دیدن	ی	ی	ی	ر	ی	ی	ر	ی	ی	ی	ی	ن
مناظره علمی کردن	ر	ر	ی	ر	ر	ی	ن	ر	ن	ر	ر	ن
خضاب و رنگ کردن	ر	ن	ی	ن	ر	ی	ی	ر	ن	ر	ر	ن
عهد و پیمان بستن	ے	ط	ے	ے	ط	ط	ے	ے	ے	ے	ط	ے
غلام بکودک دادن	ے	لد	کو	لد	کو	کو	کو	لد	لد	لد	کو	لم
در دیوان نشستن	ن	ی	ن	ر	ی	ن	ن	ر	ی	ر	ی	ن
اسب نو سوار شدن	ن	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ر	ی	ی	ر	ر

جدول الحوادث علی شهور الرومی الاسکندری

ماهها	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
تشرین الاول	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نقصان ارزاق	[illegible]
تشرین الاخر	بسیاری باران	فراخی نعمت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بیماری بزرگان	ارزانی طعام
کانون الاول	بسیاری نعمت	امن و باد و باران	[illegible]	[illegible]	[illegible]	باد و باران	[illegible]
کانون الاخر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بسیاری میوه	بسیاری باران	ارزانی طعام	[illegible]
شباط	[illegible]	کثرت باد و باران	[illegible]	[illegible]	[illegible]	کثرت باد و باران	[illegible]
اذار	[illegible]	خوف مرگ مردم	بیمار	کثرت باران	[illegible]	نقصان طعام	[illegible]
نیسان	ارزانی نعمت	کثرت نعمت	[illegible]	فراخی	[illegible]	کمی مردم	[illegible]
ایار	بسیاری باران	بیماری	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ارزانی نعمت	[illegible]
خزیران	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	کثرت تجارت	[illegible]
تموز	[illegible]	بسیاری [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نقصان [illegible]	ارزانی نعمت
آب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ارزانی نعمت	ارزانی نعمت	[illegible]
ایلول	[illegible]	ارزانی نعمت	[illegible]	[illegible]	نقصان [illegible]	بسیاری باران	[illegible]

جدول معرفت اقالیم سبعه منسوبات کواکب

اقلیم اول	بزحل تعلق دارد وابتدای آن در طول از شرقی شمالی بلاد چین است وبعضی از هند وجزایر ودریا وجزایر عرب وزمین حجاز وصنعا وحضرموت وعدن وخلیج واخضر وحبشه وبلاد نوبه وبربر تا آنکه بدریای محیط رسد والله اعلم	[illegible]	١٣
اقلیم دوم	بمشتری منسوب است وابتدای آن از کنار چین است تا هند وبعضی از ولایت سند وجزیره عرب ونجد وبحرین ومکه ومدینه ویمن وطایف وجده وصعید وبربر وکبیج مکران ودریای قلزم وبعضی از بلاد مغرب وافریقیه ونیل ومصر والله اعلم	[illegible]	١٤
اقلیم سوم	بمریخ تعلق دارد وابتدای آن از دار الملک چین است وقندهار وملتان وزابلستان وکابل وسیستان وکرمان وسرجان ودارابگرد وشیراز وخوزستان وتیر ودابرقوه وبصره وواسط وبغداد وکوفه وزمین شام ومصر واسکندریه وبعضی از بلاد مغرب ودریای قیروان والله اعلم	[illegible]	١٤
اقلیم چهارم	بآفتاب منسوب است وابتدای آن از ولایت ترکستان وخجند وماوراء النهر وخراسان وبلخ وسرخس ومرو وهرات وطوس ونیشابور وطبرستان وری واصفهان وقم وکاشان وقزوین وهمدان ونهاوند وتبریز وموصل وطبریه وانطاکیه وطرابلس تا بدریای مغرب والله اعلم	[illegible]	١٤
اقلیم پنجم	بزهره تعلق دارد وابتدای آن از کاشغر وختن وفرغانه وخجند وسمرقند وبخارا وخوارزم وگیلان وفراع وارمنیه وروم وروس وبادکوبه وشماخی ودربند است والله اعلم	[illegible]	١٥
اقلیم ششم	بعطارد تعلق دارد وابتدای آن از بلاد یاجوج است تا بدریای فغفور واطراف ترکستان وجرکس وشمالی روم وقسطنطنیه وگرجستان وبعضی از بلاد شام تا بدریای مغرب رسد والله اعلم	[illegible]	١٥
اقلیم هفتم	نسبت بقمر دارد وابتدای آن از بلاد زمین ترکستان وبلغار وسقلاب واقصی وروم وصقالبه وبعضی از ارمنیه روم بگذرد بدریای شمال وبرسد بدریای محیط از جانب مغرب والله اعلم	[illegible]	١٦

جدول احکام ذوات الاذنات علی کون الشمس فی البروج

بدانکه ذو ذنابه یعنی ستاره دنباله را کشیده وچون در هوا پیدا شود تاثیرش در عالم بسیار بود وآن را نورانی نجوم گویند وبهر مدتی ظاهر گردند ونه ستاره اند بلکه بخار است که در فضای هوا مجتمع شود ودو متصاعد گردد بسبب حرارتی که در دولت تا قریب بکره اثیر رسد وآتش در وی افتد ومشتعل شود چون جرم کواکب نماید وبسبب کثافت مدتی بماند وبا فلک اثیر متابعت کند بحرکت فلک قمر تا القدر که تمام سوخته گردد چون پیدا شود بباید دید که آفتاب در کدام برج است واز کدام جانب ظاهر شده وچنین از نیم شب بسمت مشرقی وبعد از نیم شب مغربی باشد ١٢٥



جدول معرفت نمودن کعبهٔ معظمه

بدانکه یک رکن مسلمانی که دین بران قایم هست نماز است و از جمله شرایط صحت نماز استقبال
قبله است یعنی کعبه معظمه پس هر کجا باشند رو بجانب کعبه باید کرد و ما درین دایره صورت کعبه را کشیدیم
و قبله بقصبه بلاد ... بیان کردیم و قبله کابلستان و کواکب ثوابت را نمودیم والله اعلم بالصواب



جدول معرفت تعبیر خواب و معرفت زلازل و رعود

جدول معرفت تعبیر خواب

بدانکه علم تعبیر خواب علمی شریف است و جمیع علوم ... این جدول را وضع و استخراج کرده اند و بنا بر حروف ابجد نهاده اند چنانکه هر که در خواب ببیند که بر سر اسپ نشسته اول حرف الف باید و اگر بر فیل نشسته اول حرف فا باشد و باقی همین قیاس آنچه در خواب بیند اول حرف از ین دایره طلب نماید و احکام مقابل آن را بر خواند و معلوم نماید که آنچه نوشته تعبیر آن خواب خواهد بود والله اعلم

[illegible]	دلیل بر یافتن مراد	[illegible]	دلیل بر شرف و بلندی
[illegible]	دلیل بر بلا و رنج	[illegible]	دلیل بر فرخی و سعادت
[illegible]	دلیل بر خوشی و فرح	[illegible]	دلیل بر پریشانی و ستم
[illegible]	دلیل بر بزرگی و سعادت	[illegible]	دلیل بر نیکی احوال
[illegible]	دلیل بر حصول کار	[illegible]	دلیل بر صدق و امانت
[illegible]	دلیل بر یافتن مطالب	[illegible]	دلیل بر شکر و خرمی
[illegible]	دلیل بر تنگی احوال	[illegible]	دلیل بر راستی و امانت
[illegible]	دلیل بر دشواری کارها	[illegible]	دلیل بر تلف مال
[illegible]	دلیل بر ظفر و رحمت	[illegible]	دلیل از شخص علیل شنود
[illegible]	دلیل بر جمعیت	[illegible]	دلیل بر عزت و مال
[illegible]	دلیل بر درست آمدن کارها	[illegible]	دلیل بر دولت و قوت
[illegible]	دلیل بر اخبار	[illegible]	دلیل بر زیادتی و منصب
[illegible]	دلیل بر رنج و آمدن از غم	[illegible]	دلیل بر تنهایی احوال
[illegible]	دلیل بر ضعف احوال	[illegible]	دلیل بر خیرات و امانت

جدول معرفت زلازل و رعود

زلازل از موضع شمس		رعود از موضع قمر	
[illegible]	دلیل آشوب بزرگ و خرد و کلانی	[illegible]	لسپاهی نعمت وارد است
[illegible]	دلیل آشوب آفت زراعت	[illegible]	دلیل بر خوبی زراعت
[illegible]	دلیل آشوب برنج خلایق	[illegible]	دلیل بر تندی عوام
[illegible]	دلیل بر تعدی بزرگان	[illegible]	ارزانی و تغیر سوا
[illegible]	دلیل بر هلاکت ملوک	[illegible]	دلیل بر قوت اکابر
[illegible]	دلیل بر آفت زراعت	[illegible]	دلیل بر ارزانی نعمت
[illegible]	دلیل بر تعدی لشکریان	[illegible]	دلیل بر رحمت خلایق
[illegible]	دلیل بر تعدی شهریان	[illegible]	دلیل بر تردد بزرگان
[illegible]	دلیل آشوب بلی آب و گرانی	[illegible]	دلیل بر آبادی و نعمت
[illegible]	دلیل بر آفت زراعت	[illegible]	دلیل بر آبادی و لذت
[illegible]	دلیل بر تعدی مشتاق	[illegible]	دلیل بر تردد دهاقین
[illegible]	دلیل بر فتنه و آشوب	[illegible]	دلیل بر ارزانی نعمت

جدول الاختیارات علی کون القمر فی المنازل

منزل	اختیار	منزل	اختیار
شرطین	نیک است دیدار امرا و فصد کردن و سفر و دارو خوردن ۱۲	غفر	نیک است دیدن خواتین و نو پوشیدن و زن خواستن و شرکت ۱۲
بطین	نیک است دیدن اکابر و بیع جواهر و چهارپایان و زراعت ۱۲	زبانا	نیک است برده خریدن و تجارت و حذر کنند از سفر و تزویج ۱۲
ثریا	نیک است بنا نهادن و عمارت و تزویج کردن ۱۲	اکلیل	نیک است استحکام و دارو خوردن و برده خریدن و نو پوشیدن ۱۲
دبران	نیک است شرکت و برده خریدن و سفر و نو پوشیدن ۱۲	قلب	نیک است بنا نهادن و مسهل خوردن و خرید چهارپایان و نشستن بکشتی ۱۲
هقعه	نیک است تعلیم و دیدن اهل قلم برای عمارت و نقل ۱۲	شوله	نیک است دارو خوردن و استحکام و درخت نشاندن و حذر کنند از تزویج ۱۲
هنعه	نیک است تجارت و محاسبه دیوانی و تزویج و تعلیم ۱۲	نعایم	نیک است چهارپا خریدن و سواری کردن و بد است سفر ۱۲
ذراع	نیک است نو بریدن و سفر دریا و حرب و طلب حاجت ۱۲	بلده	نیک است بیع و شری و شرکت و عمارت و زمین خریدن عقار ۱۲
نثره	نیک است استحکام و سفر و دارو خوردن و نو پوشیدن ۱۲	سعد ذابح	نیک است نو بریدن و نو پوشیدن و سفر و دارو خوردن و فصد ۱۲
طرف	نیک است سفر کردن و نو بریدن و پوشیدن و دارو خوردن ۱۲	سعد بلع	نیک است تخم کاشتن و درخت نشاندن و حرکت و شرکت ۱۲
جبهه	نیک است حرف سلاح کردن و سفر دریا و انتقام کشیدن ۱۲	سعد السعود	نیک است دیدن ملوک و اکابر و سپاهیان و شرب ۱۲
زبره	نیک است بنا نهادن و فصد کردن و شرکت و عمارت ۱۲	سعد اخبیه	نیک است سپاه خواستن و کاریز کندن و گرمابه و بنده خریدن ۱۲
صرفه	نیک است تجارت و معاملات و تعبیه لشکر و بیرون شدن بحرب ۱۲	فرغ مقدم	نیک است دیدن اکابر و عمارت و ابتدای امور و مواصلت ۱۲
عوا	نیک است تعلیم و درخت نشاندن و سفر و نو پوشیدن و تزویج ۱۲	فرغ مؤخر	نیک است دیدن علما و قضات و تجارت و دارو خوردن ۱۲
سماک	نیک است خریدن املاک و تجارت و زراعت و خریدن بنده ۱۲	رشا	نیک است ابتدای کارها کردن و تزویج کردن ۱۲

جدول منسوبات الکواکب السبعة السیاره

	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
سعد و نحس	نحس اکبر	سعد اکبر	نحس اصغر	نحس بمقارنه سعد بنظر	سعد اصغر	ممتزج	سعد بنظر سعود
طبایع آن	سرد و خشک	گرم و تر	گرم و خشک	گرم و خشک	سرد و تر	ممتزج سرد و خشک	سرد و تر
روز و شب	روزی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی
معادن	[illegible]	[illegible]	نحاس	یاقوت	مروارید	[illegible]	[illegible]
نر و ماده	نر	نر	نر	نر	ماده	ممتزج	ماده
اقالیم	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
روز	شنبه	پنجشنبه	سه شنبه	یکشنبه	جمعه	چهارشنبه	دوشنبه
شب	شب چهارشنبه	شب دوشنبه	شب شنبه	شب پنجشنبه	شب سه شنبه	شب یکشنبه	شب جمعه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شیرینی	[illegible]	[illegible]
فرح آن	دوازدهم	یازدهم	ششم	نهم	پنجم	اول	سوم
[illegible]	[illegible]	علما و قضات	اهل سلاح و ترکان	سلاطین	مطربان	کتاب و منجمان	بزرگان و کاسبان
[illegible]	نهم	هفتم	یازدهم	سیوم	دوازدهم	پنجم	هشتم
دلیل بر اعضا	سپرز و گوش	جگر و ران	زهره و [illegible]	دل و دماغ	ذکر و مقعد	دست و زبان	معده و شکم
دلیل بر امراض	نقرس و سل	ذات الریه	[illegible]	دیوانگی و جنون			
دلیل بر خلق	خمول	[illegible]	تند خوئی و غضب	بزرگ منشی	مزاح	[illegible]	سبکی
مدت ماندن در برج	دو نیم سال	یک سال	یکماه و نیم	یک ماه	بیست و پنج روز	هیجده روز	۲ روز و نیم

بقیہ جدول منسوبات

	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زہرہ	عطارد	قمر
دہات و جواہر	سرب و آہن	مس و طلا	مس	یاقوت	مروارید	ارزیز	برنج
ملت	یہودان	ترسایان	سپاہ ترکان	زرتشتیان	مسلمانان	فلسفی	بت پرست
قطع دور فلک	سی سال	دوازدہ سال	[illegible] سال	یکسال	قریب یکسال	قریب یکسال	بست و ہشت روز
فلک	ہفتم	ششم	پنجم	چہارم	سیوم	دوم	اول
مکث کواکب	دو سال و نیم	یکسال	یکماہ و نیم	یکماہ	بست و پنج روز	پانزدہ روز	دو روز و نیم
اوج ایشان	نہم درجہ	نہ درجہ	ہشت درجہ	پانزدہ درجہ	ہفت درجہ	ہفت درجہ	دوازدہ درجہ
نور شعاع	یازدہ درجہ	یازدہ درجہ	سیزدہ درجہ	ہمہ	دوازدہ درجہ	دوازدہ درجہ	دوازدہ درجہ
حبوب و ثمار	زیتون و ترش	گندم و شیرین	بادام و نخود	ارز	زنجبیل زرگون	نباتات شیرین	گندم و جو
حیوانات	الاغ	مرغ خانگی	درندہ	شیر و اسپ	کبوتر و ماہی	مرغ آبی	گاو
خانہ ایشان	جدی و دلو	قوس و حوت	حمل و عقرب	اسد	ثور و میزان	جوزا و سنبلہ	سرطان
شرف ایشان	میزان	سرطان	جدی	حمل ۱۹ درجہ	حوت ۲۷ درجہ	سنبلہ ۱۵ درجہ	ثور ۳ درجہ
وبال ایشان	سرطان و اسد	جوزا و سنبلہ	ثور و میزان	دلو	حمل و عقرب	قوس و حوت	جدی
ہبوط ایشان	حمل ۲۱ درجہ	جدی ۱۵ درجہ	سرطان ۲۸ درجہ	میزان ۱۹ درجہ	سنبلہ ۲۷ درجہ	حوت ۱۵ درجہ	عقرب ۳ درجہ
فرح ایشان	قوس	میزان	اسد	سرطان	جوزا	عقرب	وقت مقابلہ
مضعف ایشان	جوزا	حمل	دلو	جدی	قوس	ثور	در ربیع شمس
شکل ایشان	کوتاہ	میانہ بالا	طویل	مدور	مربع	باریک	سطبر

بقیہ جدول منسوبات

	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زہرہ	عطارد	قمر
عناصر	خاک	ہوا	آتش	آتش بیشتر ہوا	ہوای تر	بادی	آب
طبیعت	سخت کم	نرم معتدل	درشت	سبک نرم	سبک نرم	میانہ	سبک
طعم و بو	ترش گندہ	شیرین	تلخ گندہ	تیزی	چرب و شیرین خوش	چرب و تیز	شور بی مزہ
سن	پیری	کہولت	شباب	اول جوانی	بلوغ	کودکی	طفل
دشمنی با ہم	شمس با مریخ	با زحل	با عطارد	با زحل	با مریخ	با قمر	دشمنی ندارد
دوستی با ہم	با زہرہ و عطارد	با شمس و مریخ	با مشتری و شمس	با مشتری و مریخ	با زحل و عطارد	با شمس و زہرہ	با ہمہ
مسکن	علوی	علوی	علوی	وسط	سفلی	سفلی	سفلی
اسماء	کیوان	برجیس	بہرام	خورشید	ناہید	تیر	ماہ
بلدان	سند و ہند	بابل و فارس	شام و روم	خراسان	بادیہ	مکہ و مدینہ	آذربایجان
لباس	پشمینہ	ابریشمینہ	الوان چرب	کمر و تاج	ابریشمینہ	قصب	کتان
فرش	سوزنی ارزان	اطلس	سوزنی گرانبہا	خیمہ زر	بوریا	بوری	خیمہ
خوراک	۳۵ سال	۱۲ سال	۷ سال	۱۰ سال	۹ سال	۲۰ سال	۹ سال
قوی	ماسکہ	نامیہ	غضب	حیوانی	شہوت	متفکرہ	طبیعی
مطالع	۵۷	۷۹	۶۶	۱۲۵	۸۵	۷۷	۱۰۸
وسطی	۴۳	۴۵	۴۴	۶۹	۴۵	۴۱	۶۶
مواضع							

جدول

احکام منازل قمر

حکمای نجوم متفق اند که زحل و مریخ و شمس سعد نیستند اگر در وقت قلاع
و حصار و ملاقات و فتح اقالیم و گویند بعضی از منازل قمر داخل اند و
بعضی خارج چنانکه درین جدول معلوم است اگر در وقت فتح قلعه و ولایت
اقلیمی این سه کوکب یا قمر در منزل داخل باشند و در درجه طالع و وقت
از منازل داخل باشند دلیل بود بر فتح و ظفر قصد کننده بر اهل حصار و ضعف
حال اهل حصار و اگر در منزل خارج باشند دلیل بر خلاف این بود ضعف
قصد کننده و قوت حال اهل قلاع و حصار ١٢ والله اعلم

شرطین	خارج	نثره	خارج	غفر	خارج	سعد ذابح	خارج
بطین	خارج	طرف	خارج	زبانا	خارج	سعد بلع	خارج
ثریا	داخل	جبهه	داخل	اکلیل	داخل	سعد سعود	داخل
دبران	داخل	زبره	داخل	قلب	داخل	سعد اخبیه	داخل
هقعه	داخل	صرفه	داخل	شوله	داخل	فرغ مقدم	داخل
هنعه	داخل	عوا	داخل	نعائم	داخل	فرغ مؤخر	داخل
ذراع	داخل	سماک	داخل	بلده	داخل	رشا	داخل

جدول حیات و ممات

اگر خواهی که بدانی که بیمار بهتر شود یا نه طریقه آنست که نام مریض بحساب
جمل بگیر و در آنروز که از ایام هفته خسته [illegible] روز هفته [illegible]
و جمله را جمع کرده سه سه طرح کنند و بمانند [illegible] در جدول ملاحظه
کرده طلب نماید اگر در لوح حیات بسرخی نوشته باشند زود به شود
و اگر بسیاهی نوشته باشند دیر به شود و اگر در لوح ممات بسیاهی
نوشته باشند زود بمیرد و اگر بسرخی نوشته باشند در رنج
بسیار بماند ١٢ والله اعلم

لوح حیات		لوح ممات	
١	٢	٤	٥
٣	٧	٦	٨
١١	١٣	٩	١٠
١٣	١٦	١٢	١٥
١٧	١٩	١٨	٢١
٢٠	٢٢	٢٣	٢٥
٢٣	٢٦	٢٧	٢٩
٢٨		٣٠	

جدول معرفت غالب و مغلوب

حکمای ماتقدم چنین فرموده اند که چون میان دو کس خواه حاکم و
خواه غیر حاکم نزاع و محاربه واقع شود و خواهند که معلوم کنند که فتح
و ظفر از کدام جانب است بدین طریق که نام هر خصمی را بحساب جمل بگیرند و از
مجموع نه نه طرح کنند و بعد از طرح عدد نام یک خصم در جدول پیدا کنند
از جدول طولی که بسرخی نوشته شده و عدد نام دیگر خصم در بالای جدول عرضی
در برابر و اگر آن عدد [illegible] بسرخی نوشته باشد غالب شود و اگر بسیاهی نوشته باشد
مغلوب و اگر هر دو یکی نوشته باشند میان ایشان بصلح انجامد یا آنکه
جوان [illegible] غالب آید و شرط آنست که نام [illegible] حروف [illegible]
خواه نام و خواه لقب [illegible]
که [illegible] نام [illegible]
[illegible] والله اعلم

١٠	و	ز	ح	ط	ا	ب	و	ی	ه
ب	ج	ط	ا	د	ب	ی	ه	و	ز
ق	ه	و	ز	ح	ط	ا	ب	د	ی
ق	و	ج	ط	ا	ب	د	ی	ه	و
ه	ی	ه	و	ز	ح	ط	ا	ب	د
و	و	ز	ح	ط	ا	ب	د	د	ز
ز	د	ی	ه		ز	ط	ح	ا	ب
ح	ه	و	ز	ح	ط	ا	ب	و	د
ط	ب	د	ی	ه	و	ز	ح	ط	١٠

جدول معرفت گریخته

اگر کسی را غلامی یا فرزندی گریخته باشد و خواهد که معلوم کند که باز خواهد آمد
یا نه طریقه آنست که از نهم ماه شباط تا آن روزی که آن شخص گریخته
است بحساب جمل در آورد و آن ایام را جمع کند و آنروز را از
ایام هفته که آن کس گریخته است تا آن مبلغ افزاید و از جمله
و [illegible] سه سه طرح کرده ببیند و باقی را در این جدول
طلب کند اگر بسرخی نوشته شده باشد باز آید اگر بسیاهی
نوشته شده باشد باز نیاید و جدول مذکور اینست

والله اعلم بالصواب

١	٢	٣	٤
٥	٦	٧	٨
٩	١٠	١١	١٢
١٣	١٤	١٥	١٦
١٧	١٨	١٩	٢٠
٢١	٢٢	٢٣	٢٤
٢٥	٢٦	٢٧	٢٨
٢٩	٣٠	٣١	٣٢
٣٣	٣٤	٣٥	٣٦

جدول معرفت لاختلاجات الاعضا علی کون القمر فی البروج

	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
فرق سر	اقبال	اقبال	مال	مال	عیش	غمخوار	غایب	نقصان	نعمت	مال	اقبال	ایمنی
نیمه سر راست	مال	بیم	اقبال	اقبال	نعمت	نعمت	شادی	ایمنی	خوشی	نعمت	نعمت	مال
نیمه سر چپ	مال	ظفر	اقبال	نعمت	غم	ام	مال	مال	بیماری	غم	دلداری	بیماری
پس سر	غم	نعمت	اقبال	غم	راحت	غم	نیکی	نیکوئی	ملامت	بیماری	بیماری	ضعف
پیشانی	موافقت	ایمنی	مال	غم	دشمنی	الفوز	راحت	اندوه	نعمت	مال	راحت	راحت
ابروی راست	راحت	بیماری	غم	دلداری	مال	بدخلقی	راحت	راحت	راحت	غم	نعمت	سعادت
ابروی چپ	اقبال	غم	بیماری	جاه	صحت	راحت	امارت	راحت	کرامت	راحت	بیماری	جاه
[illegible] راست	غم	جاه	جاه	فایده	عزت	راحت	جهان	فرحت	جاه	مال	عجب	راحت
[illegible] چپ	فایده	فایده	غم	کرامت	فتح	عزت	جاه	دولت	اقبال	ایمنی	عجب	عجب
[illegible]	فایده	فایده	بوزنا	فایده	اندوه	مال	مال	راحت	فتح	نعمت	راحت	نعمت
[illegible]	فایده	فایده	زیان	مال	غایب	نیکوئی	اقبال	راحت	صحت	راحت	نعمت	عجب
گوش راست	نصیب	شادی	کرامت	مال	جاه	صحت	اثبات	مال	نعمت	مال	سعادتی	عجب
گوش چپ	سعادت	نعمت	شادی	فایده	اقبال	نعمت	ایمنی	مال	مال	فرحت	زینت	نعمت
دوش راست	ملامت	سعادت	کرامت	فایده	اقبال	اقبال	مال	جنگ	فرحت	بیم	نعمت	راحت
دوش چپ	راحت	ملامت	سعادت	ایمنی	نعمت	مال	راحت	ایمنی	راحت	بیم	شادی	نیکوی
بازوی راست	نعمت	امانت	مال	جاه	راحت	اقبال	مال	ایمنی	مال	الفوز	دشمن	عجب

بقیه جدول اختلاجات اعضا

	الحمل	الثور	الجوزا	السرطان	الاسد	السنبله	المیزان	العقرب	القوس	الجدی	الدلو	الحوت
ران راست	جاه	عزت	روزی	شادی	غضب	فتح	غنیمت	غم	سعادت	روزی	خصومت	ملامت
ران چپ	راحت	شادی	غایب	خصومت	عجایب	سلام	خصومت	سخن	سخن	روزی	عزت	راحت
زانو	خصومت	عزت	شادی	راحت	سخن	روزی	زینت	خصومت	راحت	نیکی	مال	اقبال
[illegible]	جاه	مال	غایب	خصومت	عجب	سلامت	دولت	غم	شادی	بیماری	جاه	غنیمت
[illegible]	مال	غنیمت	نیرو	عزت	ملامت	عزت	روزی	زینت	عجایب	عجب	زینت	جاه
[illegible]	شادی	غنیمت	خصومت	روزی	نقص	شادی	دولت	نقصان	مال	عزت	دولت	روزی
[illegible]	شادی	عیش	عزت	راحت	عجایب	جاه	مال	نکبت	عزت	عزت	روزی	شادی
[illegible]	روزی	عزت	رفعت	سخن	نفع	مال	جاه	غم	عزت	عزت	روزی	راحت
[illegible]	ضرب	شادی	عزت	دولت	ضرر	مال	سخن	نکبت	عجایب	شادی	غم	عزت
[illegible]	دولت	نیکی	عیش	شادی	زینت	غنیمت	مال	جاه	ضرب	دولت	عزت	شادی
[illegible]	مال	مال	بیماری	اندوه	مال	اندوه	نقصان	مرده	مرده	شادی	مرده	جاه
[illegible]	فتح	فتح	راحت	فتح	مال	عیش	شادی	جاه	شادی	عیش	زینت	سعادت
[illegible]	نیکوی	فایده	سعادت	اقبال	ظفر	سعادت	دولت	اقبال	مال	فتح	عیش	شادی
[illegible]	اقبال	مال	فتح	دولت	دولت	عیش	اقبال	مال	مال	فتح	فتح	فتح
[illegible]	غنیمت	شادی	خلاص	جاه	غم	زیب	عیش	زینت	راحت	عزت	مال	زیب
[illegible]	جاه	مال	مال	مرده	خوب	عیش	مال	مرده	عیش	شادی	فتح	اندوه

جدول روبرو الاهله علی کون القمر فی البروج

الحمل	هرگاه ماه در حمل نو شود چون ببیند بعد از آن در آتش افروخته نگرد و احتیاط کند از حدیث با زنان و مردم نادان	المیزان	هرگاه ماه نو در میزان نو شود چون ببیند بعد از آن [illegible] نگرد و احتیاط کند از دیدن [illegible]
الثور	هرگاه ماه در ثور نو شود چون ببیند بعد از آن در گوساله یا گاو جوان نگرد و احتیاط کند از دیدن وحوش و سگ	العقرب	هرگاه ماه در عقرب نو شود چون ببیند بعد از آن در روی [illegible] نگرد و احتیاط کند از دیدن [illegible]
الجوزا	هرگاه ماه در جوزا نو شود چون ببیند بعد از آن در روی مردی عالم زاهد و عابد نگرد و احتیاط کند از دیدن عوام و نابینایان	القوس	هرگاه ماه نو در قوس نو شود چون ببیند بعد از آن در [illegible] نگرد و احتیاط کند از دیدن [illegible]
السرطان	هرگاه ماه در اسد نو شود چون ببیند بعد از آن در آسمان نگرد و سه بار لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و احتیاط کند از دیدن زنان فاحشه و سیاه ٢	الجدی	هرگاه ماه در جدی نو شود چون ببیند بعد از آن در [illegible] نگرد و احتیاط کند از دیدن [illegible]
الاسد	هرگاه ماه در سنبله نو شود چون ببیند بعد از آن در آسمان نگرد در روی دختران بکر نیکو صورت بنگرد و احتیاط کند از دیدن فاسقان و دو زنان پیر ٣	الدلو	هرگاه ماه در دلو نو شود چون ببیند بعد از آن در [illegible] نگرد و احتیاط کند از دیدن [illegible]
السنبله	هرگاه ماه در سرطان نو شود چون ببیند بعد از آن در روی آب روان ساعتی نگرد و احتیاط کند از دیدن چیزهای سیاه و کبود ١	الحوت	هرگاه ماه نو شود چون ببیند بعد از آن در [illegible] نگرد و احتیاط کند از دیدن [illegible]

[illegible]

جدول احکام معرفت فصد و معرفت ارقونوع

معرفت فصد در روزها	معرفت ارقونوع
حکما گفته اند که اختیارات در نیک و بد و منفعت و مضرت فصد کردن به زیاده و نقصان نور ماه تعلق دارد و چون ماه باجتماع رسد تا رسیدن باستقبال در هر روزی از روزها فصد مضرتی بد آورد و از استقبال تا اجتماع هر روز منفعتی دهد و حکم آن از روز اول ماه تا سی ام که سلخ باشند روز بروز ضبط کرده اند چنانچه درین جدول منفعت و مضرت آن ظاهر شود والله اعلم	حکمای اهل خطا و الغور گویند که ارقونوع نفسی بعینه دارد و از غره تاریخ ماه ترک در تقویم معلوم میشود تا سلخ هر روزی از روزهای ایام مذکور در عضوی از اعضای آدمی باشد و آنرا درین جدول نهاده اند تا معلوم شود تا روزیکه در آن عضو بوده باشد فصد و حجامت و غیره در آن مضرت عظیم رسد و اگر کسی نداند موجب هلاک باشد و البته بناسور انجامد و تجربه بسیار کرده است و جدول اینست

ا	با خواهش آورد	یو	درد بدن پیدا کند
ب	رگها سست کند	یز	تا یک سال سلامت باشد
ج	دماغ را ضعیف کند	یح	قوت تن آورد
د	سر را سنگین کند	یط	از درد شکم ایمن شود
ه	رنگ روی ببرد	ک	صحت تن پیدا کند
و	اره اسلام پیدا کند	کا	نور دل بفزاید
ز	مرگ مفاجات	کب	دل را قوت دهد
ح	درد سر آورد	کج	خوشدلی آورد
ط	ضعف آورد	کد	زردی روی ببرد
ی	رنج و زحمت پیدا کند	که	روشنی خاطر آورد
یا	مالیخولیا آورد	کو	نیروی صحت یابد
یب	درد تن پیدا کند	کز	از خوف و خطر برهد
یج	ضعف بدن آورد	کح	از درد حلق خلاص شود
ید	گرگی فقار بدن آورد	کط	از مرض صحت یابد
یه	قولنج پدید آورد	ل	این روز را حکمی نیست

ا	در کف پا باشد	یو	در بازوی چپ باشد
ب	در کعب پا باشد	یز	در قفا باشد
ج	در ساق راست باشد	یح	در پهلو باشد
د	در شتالنگاه باشد	یط	در ساق چپ باشد
ه	در ساعد راست باشد	ک	در زیر بغلها باشد
و	در بازوی راست باشد	کا	در انگشتها باشد
ز	در زبان باشد	کب	در شکم باشد
ح	در بینی باشد	کج	در جگر باشد
ط	در پشت باشد	کد	در دل باشد
ی	در دندان باشد	که	در پستان باشد
یا	در روی باشد	کو	در سینه باشد
یب	در خایه باشد	کز	در شش باشد
یج	در زنخ باشد	کح	در سر و گردن باشد
ید	در ران باشد	کط	در دستها باشد
یه	در ساعد چپ باشد	ل	در پاها باشد

جدول معرفت اوقات المذموم و معرفت ساعات بست

اوقات المذموم المشهور بساعات الکلک

حکمای روم و فارس که بفهت حکیم بوده اند این ساعات را عظیم معتبر دارند و درین ساعات از جمله کارهای چند نکنند از نقل و حرکت و نو بریدن و نو پوشیدن و خریدن املاک و تزویج و زفاف و حاجت از ملوک و اگر کسی درین ساعات کاری بکند آن کار بر وی پیچیده گردد و جدول اینست

شنبه	۵ ۲۲	خانه پنجم	نماز پیشین	
پنجشنبه	۲ ۹	نیمروز	نماز دیگر	
سه‌شنبه	۶			روز نهم
یکشنبه	۳ ۱۰	نماز اول	بعد از نماز دیگر	
جمعه	۷			روز نهم
دوشنبه	۴ ۱۱	چاشتگاه	وقت غروب	
چهارشنبه	۱ ۸	بامداد	بعد صبح صادق	

جدول ساعات بست و احکام آن

بدانکه نزد هرمز حکیم و حکمای هند این ساعات بغایت مذموم است و این ساعات را در اختیارات ساعات بست خوانند و حکمای عرب این ساعات را محترقه خوانند و ابتدای این ساعات را از اجتماع نیرین گیرند و هر دوازده ساعت بکوکبی دهند تا شناخته و چهار ساعت زمانه بگذرد و آنگاه ابتدا از دوازده گیرند و باز اجتماع و دیگر حساب کنند و دور آن بهفت قسم کنند بر ترتیب افلاک و هر کوکبی دوازده ساعت دهند و چون هر کوکبی را بست گشته نحوست بر ساعت آفتاب و قمر است لیکن دوازده ساعت بکاری نباید کرد

ساعت زحل	نیک بود دیدار مشایخ و زیارت مزارات و خیرات و طلب حاجات را
ساعت مشتری	نیکو بود وزارت و تجارت و صحبت اشراف و طلب حاجات از ایشان و شاید سفر و تجارت کردن
ساعت مریخ	در ثلث اول سواری و در دوم فصد و حجامت و در سوم هیچ کاری نشاید
ساعت شمس	هیچ کاری و هم اختیار نباید کرد و فراغت و خلوت اولی بود
ساعت زهره	نیکو بود دیدار اصحاب دیوان و علما و بیع و شری و تعلیم کتابت و نقاشی
ساعت عطارد	نیکو بود دیدار خواتین و شرکت و تزویج و نو بریدن و پوشیدن و شرکت
ساعت قمر	نیکو بود تجارت و دیدار مخنث و طلب حاجات از ایشان و رسول فرستادن و کار خیر کردن

جدول معرفت اختلاجات اعضا

جانب راست

فرق سر	جاه و عزت	بینی	خصومت	لب بالا	مهمانی	زانو	جاه و عزت
میانه سر	لطف و صحبت	انگشت میانه	راز گفتن	گوشه لب	خصومت	زیر زانو	عیش
پس سر	دولت	انگشت چهارم	جاه و مرتبه	لب زیرین	شادی	ساق	نعمت و مال
جمله سر	سعادت و اقبال	کالوج	مال و غنیمت	زنخدان	عیش و خرمی	میان ساق	کامرانی
زلف گاه	خبر خوش	سینه	جنگ و خصومت	گوش	نفع و خبر خوش	بیرون ساق	خبر خوش سفر
پیشانی	عیش و عشرت	پستان	فرح	گلو	دولت	اندرون ساق	مال و اسباب
ابرو	دوستی	شکم	پیوند و عهد	دوش	اندیشه	کف گاه	پیوند
میان ابرو	شادی و نشاط	ناف	علم و اندیشه	بازو	نو نگری	انگشت پای	اندیشه
دنب ابرو	خصومت	پهلو	گشاد و فتح	ارنج	نعمت	پاشنه	سفر
پلک چشم	عز و ملامت	تهیگاه	رنج و زحمت	ساعد	جنگ و خصومت	کف پای	نقل و سفر
خانه چشم	رنجوری و زحمت	سرین	دوستی	بند دست	مال و جاه	انگشت بزرگ	نعمت
دنب چشم	مهر ورزی	مقعد و زهار	دولت و مال	انگشت دست	اندیشه	کالوج	نعمت
زیر چشم	شادی	خصیه	فرزند	کف دست	مال و نعمت	انگشت دوم	خبر خوش
رخساره	خبر خوش	بر و میان ران	عیش و خبر خوش	انگشت بزرگ	خیال و تفکر	انگشت میانه	امر معروف

جانب چپ

فرق سر	جاه و سفر	زیر زانو	خصومت	لب بالا	روزی	انگشت بزرگ	عزت و منزلت
میانه سر	خصومت	ساق	جاه	گوشه لب	عیش	انگشت دوم	شادی
پس سر	منزلت	میان ساق	غایب	لب زیرین	شادی	انگشت میانه	شادی
جمله سر	مال و نعمت	بیرون ساق	روزی	زنخدان	کامرانی	انگشت چهارم	خصومت
پیشانی	خبر خوش	اندرون ساق	خصومت	گوش	خبر خوش	کالوج	غایب
ابرو	دوستی	کف گاه	سفر	گلو	بیماری	پستان	شادی
زلف گاه	عیش و عشرت	انگشت پای	جاه	دوش	رنج بیرک	شکم و سینه	جاه کامرانی
میان ابرو	خصومت	پاشنه	مال	بازو	مال و نعمت	ناف پهلو	فرح و دولت
دنب ابرو	شادی	کف پای	منزلت	ارنج	خبر خوش	تهیگاه	روزی
پلک چشم دوم	دوستی خرمی	انگشت بزرگ	عیش	ساعد	بیماری	سرین	نعمت
دنب چشم	شادی	انگشت دوم	روزی	بند دست	خصومت	زهار و مقعد	سفر
زیر چشم	خصومت	کالوج	نعمت	انگشت دست	جاه	خصیه	اندیشه
رخساره چپ	دولت و جاه	میانه	خصومت	انگشت بزرگ	مرتبه	بن ران	حرکت
زانو	شادی	چهارم	فتح	کف دست	روزی	میان ران	سفر

جدول معرفت مریض و ساعات کلک و غیره

حکما گفته اند که چون کسی بیمار شود از روز که ابتدای بیماری او شده احوال آن بیمار معلوم توان کرد و دراز شدن و کوتاه شدن و خوف و سلامت و حکم او ازین جدول معلوم شود والعلم عند الله تعالی و بر کاغذ نگر الله

ا	بزودی شفا یابد		
ب	بیماری دراز کشد	یو	بزودی بگذرد
ج	هفده روز خوب شود	یز	علاج پذیر شود
د	صعب باشد اما بگذرد	یح	بزودی صحت یابد
ه	بزودی صحت یابد	یط	مخوف باشد اما بگذرد
و	بعد از یازده روز بگذرد	ک	بزودی شفا یابد
ز	نیک بگذرد	کا	از خوف و خطر ایمن شود
ح	تا شش روز بگذرد	کب	تا شش روز مخوف است
ط	بسلامت بگذرد	کج	مخوف باشد
ی	بعد از ان روز صحت یابد	کد	بزودی شفا یابد
یا	بعد از ده روز به شود	که	تا یازده روز مخوف است
یب	عاقبت خیر است	کو	زود بهتر شود
یج	مخوف بود	کز	بزودی شفا یابد
		کح	بعلاج صحت یابد
ید	بزودی علاج پذیر شود	کط	علاج پذیرد
یه	مخوف رنج عظیم	ل	تا دو روز مخوف است

روز نیک [illegible] از خواص [illegible] ازین جدول [illegible] معلوم [illegible] جدول

روز نیک	ساعت نیک
دوشنبه	[illegible]
سه شنبه	[illegible]
چهارشنبه	[illegible]
پنجشنبه	طرف صبح
جمعه	[illegible]
شنبه	[illegible]
یکشنبه	[illegible]

[illegible] جدول [illegible] ساعت [illegible] جدول

روز	اوقات	ساعت
یکشنبه	[illegible]	تا نیم روز
دوشنبه	[illegible]	تا ظهر
سه شنبه	[illegible]	عصر
چهارشنبه	[illegible]	عصر
پنجشنبه	[illegible]	[illegible]
جمعه	[illegible]	تا نیم روز
شنبه	[illegible]	[illegible]

جدول منسوبات بروج اثنا عشر و احوال هر برجی

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
نام هر برجی بفارسی	بره	گاو	دو پیکران	خرچنگ	شیر	خوشه	ترازو	کژدم	کمان	بزغاله	دولاب	ماهی
هر برجی چند ستاره است	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
هر کدام به ستاره در قران افتند	مریخ	زهره	عطارد	قمر	آفتاب	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	زحل	مشتری
هر کدام بکدام ستاره رغبت دارند	آفتاب	قمر	راس	قمر	هیچ	عطارد	زحل	هیچ	ذنب	مریخ	هیچ	عطارد
هبوط برجها	زحل	هیچ	ذنب	مریخ	هیچ	زهره	آفتاب	ماه	راس	مشتری	هیچ	عطارد
کدام ستاره اوجست	هیچ	ذنب	زهره	آفتاب	مریخ	مشتری	مشتری	عطارد	زحل	هیچ	هیچ	هیچ
مذکر و مونث	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده
ذوجسدین منقلب ثابت	منقلب	ثابت	ذوجسدین	منقلب	ثابت	ذوجسدین	منقلب	ثابت	ذوجسدین	منقلب	ثابت	ذوجسدین
تعلق بعناصر	آتشی	خاکی	باد	آب	آتشی	خاکی	باد	آب	آتشی	خاکی	باد	آب
هر برجی صنف مزاج	صفرا	سودا	خون	بلغم	صفرا	سودا	خون	بلغم	صفرا	سودا	خون	بلغم
تعلق به طبقات	سر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
هر کدام چه طبیعت دارند	گرم و خشک	سرد و خشک	گرم و تر	سرد و تر	گرم و خشک	سرد و خشک	گرم و تر	سرد و تر	گرم و خشک	سرد و خشک	گرم و تر	سرد و تر
تعلق به جهات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حیوانات نسبی بروج	گوسفند	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول منسوبات بروج دوازده گانه

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
خداوندان	مریخ	زهره	عطارد	قمر	شمس	عطارد	زهره	مریخ	مشتری	زحل	زحل	مشتری
وبال	زهره	مریخ	مشتری	زحل	زحل	مشتری	مریخ	زهره	عطارد	قمر	شمس	عطارد
شرف	شمس	قمر	راس	مشتری	ندارد	عطارد	زحل	ندارد	ذنب	مریخ	ندارد	زهره
هبوط	زحل	ندارد	ذنب	مریخ	ندارد	زهره	شمس	قمر	راس	مشتری	ندارد	عطارد
اوجات	ندارد	ندارد	زهره	شمس	مریخ	ندارد	مشتری	عطارد	زحل	ندارد	ندارد	ندارد
حضیضات	مشتری	ندارد	زحل	عطارد	ندارد	ندارد	ندارد	زهره	عطارد	شمس	مریخ	عطارد
طبایع	آتشی گرم و خشک	خاکی سرد و خشک	بادی گرم و تر	آبی سرد و تر	آتشی گرم و خشک	خاکی سرد و خشک	بادی گرم و تر	آبی سرد و تر	آتشی گرم و خشک	خاکی سرد و خشک	بادی گرم و تر	آبی سرد و تر
فصول	بهار	بهار	بهار	تابستان	تابستان	تابستان	پاییز	پاییز	پاییز	زمستان	زمستان	زمستان
راست و کج	راست	راست	راست	کج	کج	کج	راست	راست	راست	کج	کج	کج
مواضع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دلیل بر اعضا	سر	گردن	بازو	سینه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	رانها	زانو	ساق	پایها
جهات	مشرق	جنوب	مغرب	شمال	مشرق	جنوب	مغرب	شمال	مشرق	جنوب	مغرب	شمال
مزاج	صفرا	سودا	دم	بلغم	صفرا	سودا	دم	بلغم	صفرا	سودا	دم	بلغم
دین و ملت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جواهر و معادن	مس	مس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
روزی و شبی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی	روزی	شبی

بقیه جدول منسوبات

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
نباتات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
احوال شان	منقلب	ثابت	ذوجسدین	منقلب	ثابت	ذوجسدین	منقلب	ثابت	ذوجسدین	منقلب	ثابت	ذوجسدین
ذکور و اناث	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده	نر	ماده
طعوم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
بلاد	بابل	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حیوانات	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مردم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
الوان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

جدول احکام آثار علوی بر بودن قمر در بروج

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
بانگ رعد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
برق و صاعقه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خسوف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
کسوف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نیزک شمس	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
نیزک قمر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آمدن برف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قوس ماه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
قوس قزح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آمدن باد تند	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible] آفتاب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زلزله و خسف	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
سرخی آسمان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
جستن گرد و غبار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ظهور دود و ذوابه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
باریدن باران	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آمدن تگرگ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

هذا ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین ولا عدوان الا علی الظالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین اما بعد بباید دانست که از روز آدم که پدر اول بشر است تا بدین عصر که این مختصر تحریر کرده میشود ساکنان روی زمین از نتایج آدم دو قسم بوده اند یک قسم آنان که در قرون سالف بوده اند که پیش از طوفان نوح بوده اند و قسم دوم آنانکه پس از طوفان بوده و هستند تا اکنون اما آنان که پیش از طوفان بوده اند حقیقت حال ایشان مضبوط نیست و بدست ما از ایشان آثاری و انساب معلوم نیست چه قدم عهد و تطاول ایام و استیلای زمان آثار در درج لیل و نهار و بحدوث طوفان احوال ایشان مندرس گشت و از آن در نسخ نماند مگر ذکر بعضی از انبیا علیهم السلام از آن قبیل که مصحف منزل قرآن بدان ناطق است اما آنان که پس از طوفان بوده خوانند و اخبار ملوک و تاریخ جهانداران اصحاب تاریخ در آن اتفاق کرده اند که آغاز کار آن از اولاد ابن امیم بن ولاد بن ارم ابن سام ابن نوح که بزمین فارس هجرت کرده و اورا البشری بعد کیومرث نام نهادند فارسیان از نسل او میدانند **دیگر** اقاف یافث بن نوح جهان بواسطه دوری ملی خود جای دو دفتر [illegible] اسلامی اما جامعی با [illegible] ما بحیوانیم که پیش از پیغمبر علیه الصلوة والسلام بوده اند و آن چهار طبقه بوده اند طبقه اول **پیشدادیان** طبقه دوم **کیانیان** طبقه سوم **اشکانیان** طبقه چهارم **ساسانیان** و سلاطین پادشاهی را بحوانیم که پس از پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند و آن هفت طبقه اند بر بطریق طبقه بنی امیه و طبقه بنی عباس و طبقه سامانیان و طبقه آل بویه و طبقه غزنویان و طبقه سلجوقیان و طبقه خوارزمشاهیان

جدول ذکر طبقه ملوک پیشدادیان

ایشان نه تن بوده اند باخبار اصحاب تواریخ و محمد بن جریر طبری علیه الرحمه در کتاب خود ذکر هر یک از کیفیت احوال ایشان و مدت سلطنت و پادشاهی هر یک بطریق اجمال میگوید و ذکر فرزندان و اولاد و ترتیب پادشاهی و سیر ایشان بنحو بهترین تقریری بازمی نماید نسبت هر یک از ایشان و کیفیت و سنت ها و نشانها و آثار هر یک بر آئینی و مدت عمر و روزگار روزگانی ایشان و در هر دوره هر یکی و طبقه و جهانداری هر یک از ایشان ملکی از واقعات و حوادث عالم چه بوده و خلق آن ایام و روزگار بر چه نسق گذرانده و هریکی بعهد خود بنوعی شکوه و شاهی و قوت عقل و فهم و ادراک ضمیر روشن بجهت آرایش سلطنت و زینت مملکت چه هنرها و بینشها و صنعتها بیرون آورده اند و هر یکی از این ملوک چه شهرها و ولایت بر پا آورده و بنا کرده شده و از آلات رزم و حرب برای پیروزی و ظفر دشمنها ساخته و پرورده اند و جهت رخت و کسب معیشت هم نهرها و کوشکها و چه باغها و بستانها بر پا آورده اند و ترتیب کرده و در زمین عدل و انصاف و داد گسترده برای رعیت

بر اهل رعیت و مظلومان پیدا کرده و بنا نهاده تا از بدی و نیکی و بدی بر صفحهٔ ایام و دفتر روزگار نام و رسم [illegible] و
انبیا علیهم السلام تنبیه ملوک و آگاهی سلاطین و خداوندان خرد هم از علما و حکما و اغنیا و امرا و وزرا و صاحب هوشان [illegible] صدای خروج اهل
حرفت و صنعت سلاطین عدل گستر ملوک دین پناه را برای اسلام بر اهل ایمان باقی و پاینده دارد الهی آمین یا رب العالمین و جدول
مذکور اینست

نامهای شان	پدران شان	کنیت های شان	سنت های شان	اثرهای شان	مدت پادشاهی
کیومرث	بن لاود بن [illegible] بن انوش	کو شاه	دیوان را از اطراف جهان آواره کرده	شهر بلخ بنای اوست	سی سال
هوشنگ	بن فرول بن سیامک ابن کیومرث	پیشداد	خانها برآورده و سیم و زر و گوهر آورده	سوس و شوشتر و کوفه و اصفهان و ری بنای اوست	چهل سال
طهمورث	بن دیکو [illegible] بن [illegible] بن سیامک	دیوبند	کتاب پارسی و دیگر [illegible] از فکر خود ساخت	[illegible] مرو و طبرستان بنای اوست	سی سال
جمشید	بن دیکو [illegible]	شید	جشن نوروز و استخراج علم طب و گوهر از دریا برآورده	اصطخر و همدان و طوس بنای اوست	هفتصد سال
ضحاک	بن مهراسپ	بیوراسپ اژدهاق	ظلم کردن و [illegible] آموختن ایجاد اوست	کلنگ در [illegible] بنای اوست	هزار سال
فریدون	بن افغان بن [illegible]	مؤید	عدل و انصاف و [illegible] ساختن او پدید آورده	خندق و بارها و شهرها بنای اوست	پانصد سال
منوچهر	بن منشخوار بن [illegible] بن ایرج	[illegible]	آبادانی و عدل و انصاف نموده	معلوم نیست	یکصد و بیست سال
نوذر	بن منوچهر	معلوم نیست	بیداد و ظلم و خرابی جهان در عهد [illegible] آورده	معلوم نیست	هفت ماه ده روز
زو طهماسپ	بن طهموز	چهار سال خراج وضع کرد تا جهان آبادان شد	بغداد و رود عراق بنا کرده اوست	سواد او روان	پنج سال

ذکر طبقهٔ کیانیان

ایام پادشاهی ایشان هفتصد و سیزده سال بوده و نه تن بوده اند و از تخمهٔ کیقباد بوده است و کیقباد گویند پسر [illegible] بوده است و کیقباد مدبر و [illegible]
نژاد بیست و کیکاوس و برادرش [illegible] حکیم [illegible] پسران کیقباد بوده اند در تاریخ [illegible] چنانست که زال
پسرش رستم را بفرستاد و کیقباد را از همدان [illegible] بر تخت پادشاهی بنشاندند و با افراسیاب جنگ کرد [illegible] زال بن سام بن نریمان بن گرشاسب
بن اثرط بن شهم بن طورک بن شیداسب بن تور بن جمشید است و اینست جدول مذکور

نامهای شان	پدران شان	کنیت شان	سنتهای شان	آثار شان	پادشاهی شان
کیقباد	بن زرع	[illegible]	در [illegible] جدا نمودن [illegible]	هم و چند شهر و ایران بنا کرده اوست	یکصد سال
کیکاوس	بن کیقباد	[illegible]	[illegible] فرمان او کردند	[illegible] کیکاوس بنای اوست	یکصد و پنجاه سال
کیخسرو	بن سیاوش	[illegible]	از میان [illegible]	[illegible] و بلخ بنای اوست	شصت سال
لهراسپ	بن کیاوخان	[illegible]	ترتیب لشکر و [illegible] بنای اوست	معلوم نیست	یکصد و بیست سال
گشتاسپ	بن لهراسپ	[illegible]	[illegible]	معلوم نیست	یکصد و هجده سال
بهمن	بن اسفندیار	[illegible]	[illegible] بنای اوست	[illegible] سیستان [illegible] بنای اوست	سی و دو سال
سیمران	بنت بهمن	[illegible]	معلوم نیست	معلوم نیست	معلوم نیست
داراب	بنت بهمن	[illegible]	[illegible] بنای اوست	دارابجرد بنای اوست	دوازده سال
دارا	بن داراب	[illegible]	معلوم نیست	فارو فارس	چهارده سال

جدول ذکر طبقهٔ اسکندریه

سه تن بوده اند و پادشاهی ایشان شصت و سه سال بوده است و نزدیک پارسیان چنانست که ملک یونان دختر فیلقوس روم
را بخواست و [illegible] گرفت پس پیش پدر باز فرستاد فیلقوس او را اسکندر نام کرد و پسر خود خواند از آنکه عیب داشت که گویند دارا
دختر او را نخواست و مردم پارس او را اسکندر بن دارا خوانند و بسیار گویند در نسب او روایت است اما در مادر او که دختر فیلقوس است
خلاف نیست و در تاریخ جریر طبری چنانست که این اسکندر آن بود که خضر علیه السلام بدو بود و با ملک [illegible] در ظلمات بودند و در آب حیات
خضر و الیاس علیهم السلام در یافتند و این اسکندر بود که ذوالقرنین لقب داشت و سد یاجوج ساخته والله اعلم

انبیا علیهم السلام	نامهای ایشان	نام پدران	کنیت	سنت	آثارها	مدت پادشاهی
خضر علیه السلام	اسکندر	بن دارا بن داراب	ذوالقرنین	آبادی جهان	اسکندریه	چهارده سال

جدول ذکر طبقهٔ اشکانیان

همه نه تن بوده‌اند و پادشاهی ایشان دویست و پنجاه و چند سال بوده است و بر گزارنده از اشکانیان از تخم دارا بن دارا است
و اول کسیکه غزای روم کرد شاپور بن اشک بود و او پسر اردوان بود و در عهد عیسی علیه السلام ظاهر شد پس شاپور بروم رفت
و غزا کرد و طیطوس سیوم پادشاه روم بود بعد از اسکندر او را بکشت و از روم بسیار برده آورده بود و در کشتی نشاند پس بفرمود
تا کشتی را غرق کردند بعینه دارا ب و بسیار لطیفها و چیزها که اسکندر بروم برده بود باز آورد و نیز الکتاب او بگشاد و مال بسیار بان
خرج کرد و اندر عهد او بسیار عجایب و حوادث بوده است از انجمله یکی نبوت ذکریا علیه السلام و قصه اصحاب کهف و نبوت یونس
نبی علیه السلام بشهر نینوی و قصهٔ شمعون عابد و صدق و صادق و در آخر روزگار او جرجیس علیه السلام بوده است و تمامی این
قصها در تاریخ بن جریر طبری یافته است والله اعلم

نامها	پدران	پادشاهی	نامها	پدران	پادشاهی
اشک	بن دارا	ده سال	اشک	بن بهرام	پنجاه و دو سال
بهرام	بن اشک	پانزده ماه	گودرز الاکبر	بن اشکان	پنجاه سال
هرمز	بن بلاش	بیست و یکسال	گودرز الاوسط	بن فیروز	نوزده سال
فیروز	بن ورجیه	دوازده ماه	هرمز	بن بلاش	هفده سال
خسرو	بن هرمز	چهل سال	خسرو	بن فیروز	چهل سال
اردوان الاکبر	بن فیروز	بیست و پنج سال	اردوان الاوسط	بن اشکان	نوزده سال
خسرو	بن اشکان	پانزده سال	به آفرید	بن اشکان	سی سال
بلاش	بن اشکان	بیست و دو سال	گودرز الاصغر	بن اشکان	سی سال
نرسی	بن اشکان	بیست سال	اردوان الاصغر	بن اشکان	سی سال

جدول ذکر طبقهٔ ساسانیان

سی و یک تن بوده‌اند و پادشاهی ایشان پانصد و ده سال و یکماه و چند روز بوده است و چنین روایت است که بهمن ابن اسفندیار
پوری نام وی ساسان و دختری بود نام وی همای دختر از پدر باردار گرفت و بهمن بوقت وفات وصیت کرد که بعد از وی پادشاهی
از آن دختر است و از آن انکس که از دختر بزاید پس دختر او را ولی عهد کرد و بعد ساسان از آن کار یکساله و برد جای رفت
و لب پوشیده کرد و گوسفندی بدست داشت و چون بمرد اندر هندوستان از وی پسری ماند ساسان نام تا پنجم پسر همین نام داشته و شبانی
میکردند تا بوقتی پادشاه اصطخر خوابی دید و او را از کوه بیاورد و دختر خود را بوی داد و از وی اردشیر زاد و لب وی در شهر ملوک اردشیر
بن بابک است و این اردشیر خود با اردوان جنگ کرد و او را بکشت و خود بجای وی نشست و اول ساسانیان اردشیر است و آخر ایشان
یزدگرد بن شهریار است و تمامی احوال ایشان در تاریخ محمد بن جریر الطبری مسطور است

نامها	پدران	لقبها	زینتها	پادشاهی	نامها	پدران	لقبها	زینتها	پادشاهی
اردشیر	بن بابک	شاهنشاه	[illegible]	چهارده سال	شاپور	بن اردشیر	اصغر	تاج سرخ [illegible] در دست	[illegible] سال
شاپور	بن اردشیر	[illegible]	[illegible]	سی سال	بهرام	بن هرمز	[illegible]	[illegible] نیزه در دست	[illegible]
هرمز	بن شاپور	شاهنشاه	[illegible]	یکسال	بهرام	بن بهرام	[illegible]	[illegible] نیزه در دست	[illegible]
بهرام	بن هرمز	[illegible]	[illegible]	سه سال	[illegible]	بن هرمز	[illegible]	[illegible]	ده سال
نرسی	بن بهرام	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible]	بن [illegible]	[illegible]	تاج بر سر نیزه بر دست	[illegible]
شاپور	بن هرمز	ذوالاکتاف	[illegible]	هفتاد و دو سال	[illegible]	بن بهرام	[illegible]	تاج بر سر [illegible]	[illegible]
بهرام	بن یزدجرد	بهرام گور	[illegible]	[illegible] سال	[illegible]	بن بهرام	[illegible]	[illegible]	[illegible]

تتمه جدول مذکور

فیروز	بن یزدجرد	۲۷	[illegible]	[illegible] سال
قباد	بن فیروز	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
[illegible]	بن فیروز	[illegible]	[illegible]	دوازده سال
قباد	بن فیروز	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
نوشیروان عادل	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
هرمز	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
خسرو	بن قباد	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]	بن [illegible]	۲۶	[illegible]	[illegible] سال
[illegible]	بن قباد	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
[illegible]	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
[illegible]	بن قباد	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
هرمز	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
[illegible]	بن [illegible]	[illegible]	۴۶	[illegible]
[illegible]	بن [illegible]	۴۶	[illegible]	[illegible]
[illegible]	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال

ذکر طبقه سامانیان

نه تن بوده اند و بادشاهی ایشان یکصد و [illegible] سال بود و اول بادشاهی ابو منصور احمد بن اسمعیل ابن اسد ابن سامان ابن [illegible] ابن سامان ابن بهرام [illegible] الله [illegible] المرزبان و نسب بهرام [illegible] و اسد ابن سامان را چهار پسر بود نوح و احمد و یحیی و الیاس و دران روزگار از عراق بخراسان امد نوح بن اسد با ایشان بود و [illegible] ما وراء النهر داد از قبل طاهریان و بعد ازان المعتمد الله جمله ما وراء النهر و بعد از خراسان احمد بن اسمعیل را داد چنانچه در کتب آمده است در سنه سبع و ثمانین و مایتین والله اعلم

کنیت ایشان	ابو ابراهیم	ابو منصور	ابو [illegible]	ابو منصور	ابو الفوارس	ابو النصر	ابو منصور	ابو الحارث	ابو ابراهیم
نام ایشان	اسمعیل	احمد	نصر	نوح	عبد الملک	منصور	نوح	منصور	عبد الملک اسمعیل
نام پدران	بن احمد	بن اسمعیل	بن احمد	بن نصر	بن نوح	بن عبد الملک	بن منصور	بن نوح	بن نوح
مدت ملک ایشان	هشت سال	شش سال	سی سال	دوازده سال	هفت سال	پانزده سال	[illegible] سال	یکسال	[illegible]
جد	و	ل	ذ	کر	طبقه	آ	ل	بو	یه

بانزده تن بوده اند بادشاهی ایشان [illegible] سال بود [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و نواحی ان مستولی شد و [illegible] ایشان از فرزندان بهرام گور بود [illegible] شاه کیلان و نسب ایشان [illegible] [illegible] و [illegible] شاه کیلان بوده اند [illegible]

[illegible]

و اول دولت ایشان روز یکشنبه بود یازدهم شهر ذی القعده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] والله اعلم

پادشاهی ایشان	لقبهای شان	پدران ایشان	نامهای شان	کنیتهای شان
چهل و پنج سال	رکن الدوله	بن بویه	ابو الحسن	ابو علی
بیست و دو سال	معز الدوله	بن بویه	نوح	ابو الحسن
چهل سال	عضد الدوله	بن الحسن	مؤید	ابو منصور
هشت سال	معز الدوله	بن علی	شاه خسرو	ابو شجاع
چهارده سال	فخر الدوله	بن علی	علی	ابو الحسن
سی و دو سال	مجد الدوله	بن الحسن	رستم	ابو طالب
چهار سال	شمس الدوله	بن علی	شاه خسرو	ابو طالب
پانزده سال	عز الدوله	بن شاه خسرو	بختیار	ابو محمد
هفت سال	عمید الدوله	بن شاه خسرو	بن بویه	ابو شجاع
پنج سال	شرف الدوله	بن ابی نصر	شاه خسرو	ابو الفوارس
بیست و چهار سال	بهاء الدوله	بن شاه خسرو	بن طاهر	ابو منصور
دوازده سال	سلطان الدوله	بن دشمن زیاد	الحسن	ابو شجاع
هفت سال	حسام الدوله	بن زیاد	شهنشاه	ابو المظفر
شش سال	علاء الدوله	معلوم نیست	کالوی المواید	ابو محمد
نه سال	معلوم نیست	معلوم نیست	المؤید	ابو الجبار

جدول ذکر طبقه سبکتگینیان

ایشان ده تن بوده‌اند پادشاهی ایشان صد و هفتاد و دو سال و چهار ماه و یازده روز بوده و بیشتر امرا ترک را بلکم خوانند و بزبان پارسیان [illegible] غلام [illegible] با ایشان خصومت بود چون البتکین بود با چند برده بسوی ماوراء النهر او رفتند تا بلغو [illegible] و بازرگانی بود حاجی نصر نام که در سال [illegible] سامانیان بیاورد که سبکتگین بود با حلاوتی چند بخرید و بسوی بخارا رفت و تحف و مملکت عبد الملک نوح داشت و چون بزرگ البتکین [illegible] تزید و سبکتگین [illegible] البتکین [illegible] دختر خود را به سبکتگین داد و چون سلطان محمود بزرگ گشت کار سبکتگین بالا گرفت [illegible] سامانیان برافتاد از آن جنگ که بود فکر کردند و چون ایشان بمیرند سلطان محمود این نزاع به سلطنت بنشست والله اعلم

کنیت‌ها	نامها	پدران	لقب‌ها	مهر انگشتری	مدت پادشاهی
ابو القاسم	محمود	بن سبکتگین	یمین الدوله امین الملة	هو الله المحمود	سی و سه سال
ابو سعید	مسعود	بن محمود	نصیر الدوله	المسعود بن الدین سعید	دوازده ماه
ابو الفتح	ابو نصر	بن محمود	شهاب الدوله	بالله الودود ابنی المسعود	نه سال
ابو النصر	عبد الرشید	بن محمود	مجد الدوله	الله المستعان	ده سال
ابو الفضل	فرخ زاد	بن مسعود	تاج الدوله	معلوم نیست	هفت سال
ابو المظفر	ابراهیم	بن مسعود	ظهیر الدوله	بالله الکریم یثق ابراهیم	چهل و دو سال
ابو الفتح	مسعود	بن ابراهیم	علاء الدوله	سعید بالله المسعود	هجده سال
ابو الفتح	ملک ارسلان	بن مسعود	سلطان الدوله	بالله السلطان ارسلان یثق	ده سال
ابو المظفر	بهرام شاه	بن مسعود	یمین الدوله امین الملة	معتصم بالله بهرام شاه	چهل و دو سال
ابو الشجاع	خسرو شاه	بن بهرام شاه	سراج الدوله	بالمعبود الله خسرو شاه	هشت سال

ذکر طبقه سلجوقیان سلجوقیان پانزده تن بوده‌اند و پادشاهی ایشان صد و شصت و سه سال بوده و خاندان سلجوق در عجم [illegible] دران درجه دست بخشش [illegible] ممالک از اقلیم سوم و چهارم و پنجم (۳ ۴ ۵) با مروی و حلب و [illegible] و وقت دختران ایشان آراسته شد چنانکه بودند الی که بودند سر و افسر و صاحب قران قوم بودند و از ذات مبارک ایشان در ایام چون رایت سلطان معظم ابو طالب طغرل بن میکائیل بخراسان ظاهر شد از جانب شمال مشرق وارد شد وقت که با ابتدای دولت ایشان بود و سلطان محمود ابن محمد [illegible] گشت ری و اصفهان از طرف [illegible] و ولایات که [illegible] اقطاع او را ایل کردند و عمید الملک ابو نصر الکندری وزیر بود و سلطان طغرل بیک به بغداد رفت و امیر المؤمنین القائم بامر الله را از دست بساسیری بیرون کرد و در خلافت بنشاند و بسوی شام و حد روم رفت و از آنجا در دوازده روز به همدان آمد که سیف الدوله ابراهیم ینال ابو حصار بر او سیف الدوله به همدان کشته شد

[illegible]

کنیتهای شان	نامهای شان	پدران شان	لقب شان	توقیعات شان	مدت پادشاهی	مدت عمر
ابو طالب	طغرل بیک	بن میکائیل بن سلجوق	رکن الدنیا والدین	معلوم نیست	بیست و شش سال	چهل و چهار سال
الب ارسلان	محمد	بن داود بن میکائیل	برهان امیر المؤمنین	بنصر الله	[illegible]	چهل و چهار سال
ابو الفتح	ملک شاه	بن محمد بن داود	معز الدنیا والدین	اعتصمت بالله وحده	بیست و سه سال	چهل و چهار سال

کنیتهای شان	نامهای شان	پدران شان	لقبهای شان	توقیعات شان	مدت پادشاهی	مدت عمر
ابو المظفر	برکیارق	بن ملک شاه	رکن الدنیا والدین	اعتمادی علی الله وحده	پانزده سال	سی و پنج سال
ابو شجاع	محمد	بن ملک شاه	غیاث الدنیا والدین	استعنت بالله وحده	ده سال	سی و هفت سال
ابو الحارث	سنجر	بن ملک شاه	معز الدنیا والدین	توکلت علی الله وحده	چهل و پنج سال	هفتاد و سه سال
ابو القاسم	محمود	بن ملک شاه	مغیث الدنیا والدین	اعتصمت بالله وحده	سه سال	بیست و هفت سال
ابو طالب	طغرل	بن محمود	رکن الدنیا والدین	اعتصمت بالله وحده	سه سال	بیست و پنج سال
ابو الفتح	مسعود	بن محمد بن ملک شاه	غیاث الدنیا والدین	اعتمادی علی الله وحده	پانزده سال	چهل و پنج سال
ابو الفتح	ملک شاه	بن محمد	معز الدنیا والدین	استعنت بالله وحده	شش ماه	چهل و پنج سال
ابو شجاع	محمد بن محمود	بن ملک شاه	غیاث الدنیا والدین	المعتصم بالله وحده	پانزده سال	چهل و سه سال
ابو شجاع	سلیمان	بن محمود	معز الدنیا والدین	استعنت بالله وحده	یک سال	سی و دو سال
ابو المظفر	ارسلان	بن طغرل بن محمد بن ملک شاه	رکن الدنیا والدین	اعتصمت بالله وحده	بیست سال	چهل سال
ابو طالب	طغرل	بن ارسلان	رکن الدنیا والدین	معلوم نیست	هیجده سال	چهل و سه سال
پادشاهی	محمود	اسلاکر	اتابک	خالی	معلوم نیست	خالی

جدول ذکر طبقهٔ خوارزمشاهیان

هشت تن بوده اند و پادشاهی ایشان صد و سی سال بوده است و ایشان از نسل ملکاتکین بوده اند و ملکاتکین بندهٔ نوشتکین فرچه نام بوده است و او امیری بود از خواص سلطان سنجر و خوارزم در عهده و طبقه خوانچه خانه بود چنانکه خوزستان طبقهٔ جامه خانه بود و ابن ملکاتکین را سلطان سنجر بشحنگی خوارزم موسوم کرده بود و او را پسران بودند پسر بزرگتر قطب الدین محمد نام داشت و چون ملکاتکین وفات کرد سلطان سنجر خوارزم را بقطب الدین محمد داد و او را بخوارزمشاهی موسوم کرد و در شهور احدی و تسعین واربع مایه و او سی و یک سال خوارزم را پادشاهی کرد و در شهور سنه اثنی و عشرین و خمسمایه وفات یافت و اتسز پسرش قایم مقام او شد و در محرم سنه ثلث و ثلثین و خمسمایه عاصی شد و سلطان سنجر در ماه ازدهم محرم سنه ثلث واربعین و خمسمایه بالشکر بخوارزم کشید و اتسز مطیع و منقاد شد و سلطان سنجر بازگشت و اتسز در نهم ماه جمادی الاخر سنه احدی و خمسین و خمسمایه وفات یافت پسرش ال ارسلان بسلطنت بنشست و او نیز در نوزدهم شهر رجب سنه سبع و ستین و خمسمایه وفات یافت و تکش بن ال ارسلان قایم مقام او شد و لشکر بعراق کشید و سلطان طغرل بن ال ارسلان

کنیتهای شان	نامهای شان	پدران شان	لقبهای شان	توقیعات شان	مدت پادشاهی
ابو شجاع	محمد	بن ملکاتکین	قطب الدنیا والدین	توکلت علی الله	سی و یک سال
ابو المظفر	اتسز	بن محمد	علاء الدنیا والدین	توکلت علی الله	هشت و سه سال
ابو الفضل	ال ارسلان	بن اتسز	رکن الدنیا والدین	اعتمادی علی الله	شش سال
ابو الفتح	سلطان شاه	بن ال ارسلان	معز الدنیا والدین	استعنت بالله وحده	پانزده سال
ابو المظفر	تکش	بن ال ارسلان	نصیر الدنیا والدین	اعتصمت بالله وحده	بیست و هشت سال
ابو الحارث	محمد	بن تکش	علاء الدنیا والدین	اعتصمت بالله وحده	بیست و یک سال
ابو شجاع	منکبرنی	بن محمد	جلال الدنیا والدین	توکلت علی الله وحده	چهار سال
ابو الفتح	پیرشاه	بن محمد	غیاث الدنیا والدین	استعنت بالله وحده	دو سال

جدول ذکر ملاحدهٔ قلعهٔ الموت ولمسر و غیر ایشان

پادشاهی ایشان بران قلاع صد و هفتاد و دو سال بوده است اول ایشان حسن صباح بوده است و ایشان هشت تن بوده اند و حسن در پانزدهم رجب سنه ثلث و ثمانین و اربعمایه بر الموت رفت و سی و پنج سال تمکین یافت و او اساس دعوت بزهد و عبادت نهاد تا بحدیکه پسرش خمر خورده بود بفرمود تا او را بکشتند و در این سی و پنج سال که بر سر دکانی نشسته بود که بیکبار جز دو بار بر بام آن خانه نرفت و بیکبار بر در خانه او فرمود تا نظام الملک را بکشتند و در این سی و پنج سال بسیار پادشاهان خراب کرد و در شب چهارشنبه ششم ربیع الآخر سنه ثمان و عشر و خمس مایه بمرد و بزرگ امید را که بغیر از او بر قلعه لمسر رفته بود در شب چهارشنبه بیستم ذی القعده سنه خمس و تسعین و خمس مایه وفات یافت و مدت بیست سال و اندی بعد حسن بود او ولیعهد کرد و بزرگ امید چهارده سال پادشاهی کرد و المسترشد بالله در عهد او کشته شد در بیست و سیوم ماه جمادی الاول سنه اثنی و ثلثین و خمسمایه وفات یافت و پسرش محمد بن بزرگ امید بنشست و الراشد بالله هم در عهد او بکشتند و این محمد بن بزرگ امید بیست و پنج سال پادشاهی کرد و در سیوم ربیع الاول سنه سبع و خمسین و خمس مایه بمرد و پسرش حسن بن محمد بن بزرگ امید بنشست

[Marginal note, right margin:] سنه ... [illegible] ... ایران سلجوقی ... [illegible]

واو مردی عادل عالم بود و در میان ایشان بسیار کتب و رسایل بود و بسیار کتب در طریقه الحادیه بخت و دعوتها کرد
بسیار مردم را و چهار سال پادشاهی کرد و در دهم ربیع الاول سنه احدی و ستین و خمس مایه بمرد و پسرش جلال الدین حسن بنشست
و او مسلمان شد و مساجد ساخت و ائمه و حافظان را از بلاد اسلام و قزوین نزدیک خویش خواند و آبا و اجداد را لعنت کرد و چهار زن
از پادشاهان اسلام بخواست و مادرش بحج رفت و بسیار چیزها در بادیه فرمود کردند و پانزده سال پادشاهی کرد و در نیمه رمضان المبارک سنه
ثمان و عشر و ست مایه وفات یافت و پسرش علاء الدین بنشست و با الحاد ارشاد کرد و مسلمانی از آنجا برداشت و بسیار پادشاهان اسلام
بعید او عنبت شدند و در سلخ شوال سنه ثلث و خمسین و ستمایه بمرد و پسرش رکن الدین خورشاه بجای او بنشست و یک سال پادشاهی کرد
پس لیقرمان پادشاه روی زمین هلاکو خان به نزول کرد

نامهای شان	پدران شان	لقبهای شان	مدت عمر شان	مدت پادشاهی
حسن صباح	بن علی بن محمد بن جعفر	الحمیری	هفتاد و شش سال	سی و پنج سال
بزرگ امید	معلوم نیست	علاء الدین	بیست و پنج سال	چهارده سال
محمد	بن بزرگ امید	علاء الدین	پنجاه و یک سال	بیست و پنج سال
حسن	بن محمد	علی ذکره السلام	سی و دو سال	چهار سال
محمد	بن حسن	علاء الدین	شصت و یک سال	چهل و شش سال
حسن	بن محمد	جلال الدین	سی و نه سال	پانزده سال
محمد	بن حسن	علاء الدین	چهل و چهار سال	سی و پنج سال
خورشاه	معلوم نیست	رکن الدین	سی سال	یک سال

جدول ذکر طبقه نبی مختار صلوات الله علیه

رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون از پادشاهی انوشیروان چهل سال گذشت و از چهل و شش روایت است و گویند که بیست سال بود که
ابرهه صباح پیل بجوار کعبه فرستاده بود که پیغمبر علیه الصلوة والسلام از مادر بزاد و در مصر است از محمد مصطفی صلعم ولادت فی زمن الملک العادل
انوشیروان و ولادت او در شب دوشنبه بود دهم ربیع الاول سنه ... و ثمانین التاریخ و هو العشرون من نیسان سنه تسع و خمسین و ثمانمائة
التاریخ الاسکندری و هو بطالع المیزان و در آن شب که او از مادر بزاد نوری از وی بتافت چنانکه مادرش قصرها در شام بدید و مادرش
گفت و شنید از آسمان فرود آمد و مرا گفت آنچه در شکم تست بهترین همه خلق است و چون بزاید او را محمد نام کن و بطوطی احمد با ... احد
من کل شر حاسد و دیگر روز عبد المطلب را گفت و آن شب که بزاد تا به ... داده و بسر کشیده و سنت کرده تا دولت پیغمبری بود برسید
و آن شب که بزاد زلزله در ایوان کسری افتاد و کنگرهای ایوان کسری بیفتاد و بتخانه و آتشکده از فارس که هزار سال بود که هیچ فرو مرده نبود
و دریای ساوه که بحر بود که آن زمان خشک شد اینهمه آیات و علامات پیغمبری و رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود

اللهم صل علی النبی الامی الهاشمی القریشی المکی



کنیت	نام	پدر	مادر	انتقال	لقب	نقش نگین	وزیر	مدت خلافت	مدت نبوت	مدت عمر
ابو القاسم	محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم	بن عبد الله بن عبد المطلب	آمنه بنت وهب	[illegible]	المصطفی	محمد رسول الله	علی بن ابیطالب	[illegible]	[illegible]	شصت و سه سال
ابو بکر	عتیق بن [illegible]	بن ابی قحافه عثمان بن عامر	[illegible]	[illegible]	الصدیق	نعم القادر الله	عثمان بن عفان	دو سال	[illegible]	شصت و سه سال
ابو حفص	عمر	بن الخطاب	حنتمه بنت هشام	[illegible]	الفاروق	کفی بالموت واعظا	زیاد بن سلیم	ده سال	[illegible]	شصت و سه سال
ابو عمرو	عثمان	بن عفان	اروی بنت کریز	[illegible]	ذو النورین	[illegible]	مروان بن الحکم	دوازده سال	[illegible]	[illegible]
ابو الحسن	علی	بن ابیطالب	فاطمه بنت اسد	[illegible]	[illegible]	الملک لله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شصت و سه سال
ابو محمد	حسن	بن علی بن ابیطالب	فاطمه بنت رسول الله	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	چهل و [illegible] سال

جدول ذکر طبقهٔ بنی أمیة علیه ما یستحق

پانزده تن بوده اند و پادشاهی ایشان هشتاد و [illegible] سال و [illegible] ماه بوده است و در تاریخ محمد بن جریر الطبری رحمة الله علیه آنست که چون معاویه شهرها با میران بخشش کرد و مصر عمرو عاص را داده و مغیره بن شعبه بپارس فرستاد تا زیاد بن ابی سفیان را بیاورد و امیر المؤمنین و امام المعصومین علی ابن ابیطالب علیه السلام او را آنجا فرستاده بود چون پیش معاویه رفت او را زینهار داد و او را به برادری پذیرفت و کوفه و [illegible] و خراسان را و [illegible] اسلام را بود از شرق تا غرب او را مسلم داشت از آنکه سخت کافی و با خرد پس در سال پنجاه و [illegible] موسی الاشعری بمرد و معاویه مکه و مدینه را نیز بدو داد و اندر رمضان پنجاه و [illegible] حج کرد و یزید پسر خویش ولی عهد خویش کرد تا او را بیعت کردند و تمامی این قصه و کیفیت احوال بنی امیه و مروانیان در تاریخ محمد جریر الطبری بشرح بیاید والله اعلم

کنیت	نام	پدر	مادر	انتقال	لقب	نقش نگین	وزیر	مدت ملک	مدت عمر
ابو عبد الرحمن	معاویه	بن ابو سفیان بن حرب	هند بنت عتبه	[illegible]	[illegible]	لا قوة الا بالله	سرجون بن [illegible]	نوزده سال	[illegible] سال
ابو خالد	یزید	بن معاویه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] سال
ابو عبد الرحمن	معاویه	بن یزید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	زیاد بن سلیم	[illegible]	[illegible] سال
ابو الحکم	مروان	بن الحکم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
ابو [illegible]	عبد الله	بن زبیر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] سال
ابو الولید	عبد الملک	بن مروان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] سال
ابو العباس	الولید	بن عبد الملک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] سال
ابو ایوب	سلیمان	بن عبد الملک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دو سال	[illegible] سال
ابو حفص	عمر	بن عبد العزیز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دو سال	[illegible] سال
ابو خالد	یزید	بن عبد الملک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] سال
ابو الولید	هشام	بن عبد الملک	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	نوزده سال	[illegible] سال
ابو العباس	الولید	بن یزید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] سال
ابو خالد	یزید	بن الولید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
ابو اسحق	ابراهیم	بن الولید	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال
ابو عبد الملک	مروان	بن محمد	[illegible]	[illegible]	الحمار	[illegible]	عبد الملک	[illegible] سال	[illegible] سال

جدول ذکر طبقهٔ بنی عباس این سی و سه تن بوده اند و پادشاهی پانصد و بیست و سه سال بعد از مصطفی علیه الصلوة والسلام
وانکه اعمام او در حرب احد دست گرفت عباس بود او را بر پا بلندی مرتفع تر انند سید علیه السلام گفت بر جاده بی او رفع الله قدرک و یا عم
دیگر از روز که بلفظ فصیح گفت که سید او را بزرگ تر رسیده که انا اکبر ام انت او جواب داد که انت اکبر و انا اسن و عباس رضی الله عنه بدو سال
از رسول صلی الله علیه وآله وسلم بزرگتر بود رسول صلی الله علیه وآله وسلم را جواب داد او خوش آمد گفت بارک الله فی عمك یا عم ببرکت دعای
او بیست و هفت خلیفه شدند و هشتاد و پنج سال عمر یافت و در سال سی و دو از هجرت وفات یافت در ایام خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام و او پسر
عبد المطلب است و اول که ابو العباس سفاح نشست بعد از خروج ابو مسلم در پانزدهم [illegible] ذی القعده سنه صد و سی و دو اول برادرش [illegible] در سنه
دیگر که مروان حمار را و او را اسیر کرد بعد از آن نفر موده تا جمله بنی امیه از پیر و جوان و کودک و هر که از نسب ابو مسلم کشته بوده اند
که اکثر ابر طوس خوانند جمع کردند و کشف جمجمه بود گفت کشتنی هزار و خوار و این قصه و حکایات در تاریخ محمد بن جریر الطبری مسطور و مذکور است

کنیت	نام	پدر	مادر	حاجب	لقب	نقش نگین	وزیر	سال مدت	ماه مدت	روز مدت	سال عمر
ابو العباس	عبد الله	بن محمد	ریطه بنت عبید الله	[illegible]	السفاح	عبد الله [illegible]	ابو سلمه	چهار سال	نه ماه	پانزده روز	[illegible]
ابو جعفر	عبد الله	بن محمد	سلامه [illegible]	[illegible]	المنصور	[illegible]	[illegible]	بیست و دو سال	یازده ماه	[illegible]	[illegible]
ابو عبد الله	محمد	بن عبد الله	ام موسی [illegible]	[illegible]	المهدی	[illegible]	[illegible]	ده سال	یک ماه	پنج روز	چهل و [illegible] سال
ابو محمد	موسی	بن محمد	خیزران	[illegible]	الهادی	[illegible]	[illegible]	یک سال	یک ماه	یازده روز	[illegible]
ابو جعفر	هارون	بن محمد	خیزران	[illegible]	الرشید	[illegible]	[illegible]	بیست و سه سال	دو ماه	[illegible] روز	[illegible]
ابو عبد الله	محمد	بن هارون	زبیده	[illegible]	الامین	[illegible]	الفضل بن ربیع	چهار سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible]
ابو العباس	عبد الله	بن هارون	مراجل	[illegible]	المامون	[illegible]	الفضل [illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible]
ابو اسحق	محمد	بن هارون	ماردة	[illegible]	المعتصم	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible]
ابو جعفر	هارون	بن محمد	قراطیس	[illegible]	الواثق	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible]	[illegible]
ابو الفضل	جعفر	بن محمد	[illegible]	[illegible]	المتوکل	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible]
ابو جعفر	محمد	بن جعفر	حبیبه	[illegible]	المنتصر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شش ماه	[illegible] روز	[illegible]

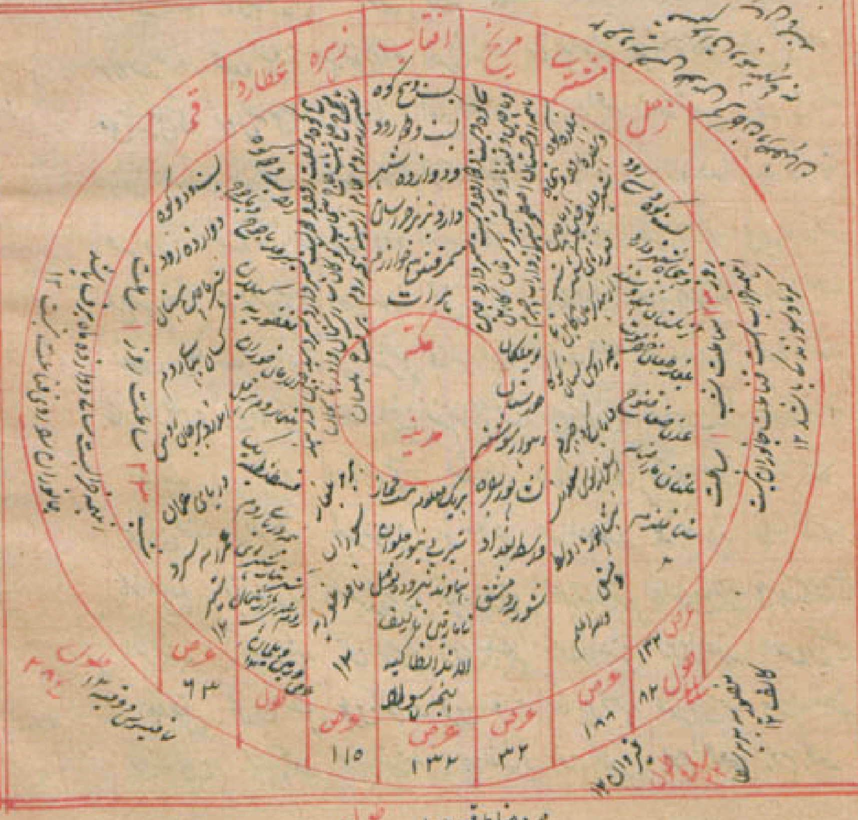
کنیت	نام	پدر	مادر	حاجب	لقب	نقش نگین	وزیر	سال مدت	ماه مدت	روز مدت	سال عمر
ابو العباس	احمد	بن محمد	[illegible]	[illegible]	المستعین	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	نه ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو عبد الله	الزبیر	بن جعفر	قبیحه	[illegible]	المعتز	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	شش ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو جعفر	محمد	بن هارون	[illegible]	[illegible]	المهتدی	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو عبد الله	احمد	بن جعفر	فتیان	[illegible]	المعتمد	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	یازده روز	[illegible] سال
ابو العباس	احمد	بن موفق	[illegible]	[illegible]	المعتضد	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو محمد	علی	بن احمد	[illegible]	[illegible]	المکتفی	[illegible]	[illegible]	شش سال	شش ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو الفضل	جعفر	بن احمد	[illegible]	[illegible]	المقتدر	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	دو ماه	دو روز	[illegible] سال
ابو منصور	محمد	بن احمد	[illegible]	[illegible]	القاهر	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	شش ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو العباس	احمد	بن جعفر	[illegible]	[illegible]	الراضی	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	ده ماه	دو روز	[illegible] سال
ابو اسحق	ابراهیم	بن جعفر	[illegible]	[illegible]	المتقی	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	یازده ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو القاسم	عبد الله	بن علی	[illegible]	[illegible]	المستکفی	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	چهار ماه	سه روز	[illegible] سال
ابو القاسم	الفضل	بن جعفر	[illegible]	[illegible]	المطیع	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	چهار ماه	چهار روز	[illegible] سال
ابو بکر	عبد الکریم	بن فضل	[illegible]	[illegible]	الطائع	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	چهار ماه	سه روز	[illegible] سال
ابو العباس	احمد	بن اسحق	[illegible]	[illegible]	القادر	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	سه ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو جعفر	عبد الله	بن احمد	[illegible]	[illegible]	القائم	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	سه روز	[illegible] سال
ابو القاسم	عبد الله	بن محمد	[illegible]	[illegible]	المقتدی	[illegible]	[illegible]	نوزده سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible] سال
ابو العباس	احمد	بن عبد الله	[illegible]	[illegible]	المستظهر	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	سه ماه	یازده روز	[illegible] سال
ابو منصور	الفضل	بن احمد	[illegible]	[illegible]	المسترشد	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	[illegible] ماه	[illegible] روز	[illegible]
ابو جعفر	منصور	بن [illegible]	[illegible]	[illegible]	الراشد	[illegible]	[illegible]	[illegible] سال	دو ماه	یازده روز	[illegible]

جدول اسماء المعصومین علیه السلام

اسماء	محمد صلعم	علی علیه السلام	فاطمه ص	حسن ع	حسین ع	علی ع	محمد ع
الکنی	ابوالقاسم	ابو الحسن	ام ابیها	ابو محمد	ابو عبد الله	ابو الحسن	ابو جعفر
القاب	المصطفی	المرتضی	الزهرا	الزکی	الشهید	السجاد	الباقر
مکان الولادت	شعب ابی طالب	الکعبه	المکه	المدینه	المدینه	المدینه	المدینه
ایام الولادت	الثلثاء	الجمعه	الجمعه	الثلثاء	الخمیس	الاحد	ثالث صفر
شهور الولادت	١٧ ربیع الاول	ثالث عشر رجب	٢٠ جمادی الثانی	نصف رمضان	ثلث شعبان	خامس شعبان	سبع و سبعین
سنین الولادت	عام الفیل	ثلثین من عام الفیل	بخمس سنین بعد النبوة	ثلث من الهجره	اربع من الهجره	ثمانی و ثلثین	معاویه
ملوک الوقت	نوشیروان	[illegible]	یزدجرد	یزدجرد	یزدجرد	امیر المؤمنین	ثبت الحسن ام عبدالله
نقش الخواتم	الشهادتان	الملک لله	امن المتوکل	العزة لله	ان الله بالغ امره	[illegible]	العزة لله جمیعا
عدد ازواج	خمس عشرت	اثنی عشر عدد السراری	سلام الله علیها	عدد السراری	خمس عدد السراری	[illegible]	[illegible] عدد السراری
عدد الاولاد	ثمانی اولاد	سبع و عشرین	خمس اولاد		ست اولاد	سبع و خمسون ولد	سبعة اولاد
مدت عمر	ثلث و ستون سنة	ثلث و ستون	ثمانیه عشر سنة	ثمان و اربعین سنة	سبع و خمسون سنة	خمسة عشر	سبع و خمسون
ایام الوفات	الاثنین	الاثنین	الاثنین	الخمیس	الاثنین	السبت	الاثنین
شهور الوفات	[illegible]	٢١ رمضان	٣ جمادی الثانی	سابع صفر	عاشر محرم	ثانی عشر محرم	رابع ذی الحجه
سن الوفات	احدی عشرة الهجرة	اربعین من الهجرة	احدی الهجرة	سنه خمسین	احدی و ستین سنة	خمس و سبعین	سنه عشر و مائة
مقام وفات	المدینه	نجف الکوفه	المدینه	المدینه	کربلا	المدینه	المدینه
سبب وفات	مرض و قبض نفسه	ابن ملجم علیه اللعنة	قربت القلقت	سم جعده	قتل شمر علیه اللعنة	[illegible]	[illegible]
مقام مراقد	مسجد الان	مشهد بالغری	فی الروضة	فی البقیع	فی کربلا	فی البقیع	فی البقیع
ملوک الوقت	هرقل					بن عبد الملک الولید	هشام بن عبد الملک
اسماء تتمه	جعفر علیه السلام	موسی علیه السلام	علی علیه السلام	محمد بن علی علیه السلام	علی علیه السلام	حسن علیه السلام	محمد علیه السلام

اسماء تتمه	جعفر ع	موسی ع	علی ع	محمد ع	علی ع	حسن ع	محمد ع
القاب	الصادق	الکاظم	الرضا	الجواد	الهادی	العسکری	الخلف المهدی
الکنی	ابو عبدالله	ابو ابراهیم	ابو الحسن	ابن جعفر	ابو الحسن	ابو محمد	ابو القاسم
مکان ولادت	المدینه	مکه و المدینه	المدینه	المدینه	المدینه	المدینه	سر من رای
ایام ولادت	الاثنین	الاحد	الخمیس	الجمعه	الجمعه	الاثنین	الجمعه
شهور ولادت	١٧ ربیع الاول	سابع صفر	یازدهم ذی قعده	عاشر رجب	ثانی رجب	رابع ربیع الثانی	نصف شعبان
سنین ولادت	ثلث و ثمانین	ثانی و عشرین مائة	ثمان و اربعین مائة	خمسة و تسعین	اثنی عشر و مائتین	اثنین و ثلثین و مائتین	خمس و خمسین و مائتین
ملوک الوقت	مروان عبد الملک	ابراهیم الولید	المنصور	محمد بن الامین	المامون	الواثق بن المعتصم	المعتمد بن المتوکل
اسماء امهات	ام فروه بنت القاسم	حمیده ام ولد	ام البنین ام الولد	الخیزران ام الولد	سمانه ام الولد	حدیثه ام الولد	نرجس ام الولد
نقش الخواتم	[illegible]	کن من الله علی حذر	ان الله لولی	المهیمن عضدی	حفظ الله للعبد	انا لله شهید	انا حجة الله و خاصته
عدد الازواج	[illegible]	[illegible]	ازواج عدد السراری	ازواج عدد السراری	سبزه لا غیر	[illegible] واحد	بنات ابی لهب
عدد الاولاد	عشر اولاد	ستة و ثلثون ولد	خمس اولاد	اربعة اولاد	خمسة اولاد	ذکر اثنین لا غیر	فی بلد طالقان
مدت عمر	خمس و ستون سنة	خمس و خمسون سنة	احد و خمسون	خمس و عشرون	احد و اربعون	ثمانیه و عشرون	ثمان و اربعون الان
شهور الوفات	نصف رجب	سادس رجب	سابع عشر صفر	عاشر رجب	ثالث رجب	ثامن ربیع الاول	ذالک عند الله علم
سنین الوفات	ثمان و اربعین	ثلث و ثمانین مائة	ثلاث و مائتین	ستة و عشرین و مائتین	اربع و خمسین و مائتین	داره بسر من رای	علم ذلک عند الله
مکان الوفات	المدینه	بغداد	داره بطوس	بغداد	داره بسر من رای	[illegible] و مائتین	[illegible]
سبب الوفات	سموه فی عنب	سمه الرشید	سمه المامون	سمه المعتصم	سمه المعتضد	سمه المعتمد	[illegible]
مکان مراقد	بالبقیع	مقابر قریش	مشهد بطوس	مقابر قریش	بسر من رای	فی الدار مع ابیه	فی سرداب سر من رای
ملوک الوقت	الرشید	زمن الرشید	زمن المامون	زمن المعتصم	زمن المعتز	زمن المعتمد	عثمان بن سعید
اسماء ابوابهم	المفضل	محمد بن الفضل	عمر بن الفرات	عمر بن الفرات	عثمان بن سعید	عثمان بن سعید	بشر بن المعتمد
ایام الوفات	یوم الاثنین	یوم الجمعه	یوم الاثنین	یوم الثلثاء	یوم الجمعه	یوم الجمعه	یوم الجمعه

جدول اسماء الممکنة فی المدینه ستارکان



۵ دمشق قسطنطنیه طول ۲۲۵
اسکندریه قیروان ۱۳ طول ۲۲۴ طول ۲۴۴

جدول نوبل نامه منقول است که حضرت جبرئیل امین بموجب امر الهی بخشش جناب حضرت ختمی پناهی نقل کرده که هر یکی از ایام ولیالی هفته را او سبحانه چهار بخش سه پاس نام نهاده و هر پاسی برای اختیار کارها هر دو حصه ساخته که در هر حصه بخش اند خیر و شر دو نیم هر دو کار است و برای تفهیم آن چهار بخش نام است که نصف پاس عمل آن اول زکی و آن برای جمیع کارهای دنیوی و اخروی خوب و مسعود است دوم احراق سیوم رنج و درین هر سه جمیع کارها ممنوع است چهارم بین و آن امر بین بین یعنی نه نیک نه بد چنانچه از روی این جدول مفصل مفهوم می گردد

	پاس اول		پاس دوم		پاس سیوم		پاس چهارم	
	نصف اول	نصف دوم	نصف اول	نصف دوم	نصف اول	نصف دوم	نصف اول	نصف دوم
روز شنبه	بین	رنج	احراق	احراق	بین	زکی	زکی	بین
شب یکشنبه	بین	احراق	زکی	زکی	بین	رنج	احراق	احراق
روز یکشنبه	بین	احراق	بین	رنج	زکی	زکی	احراق	احراق
شب دوشنبه	احراق	احراق	بین	زکی	زکی	احراق	بین	بین
روز دوشنبه	بین	رنج	زکی	زکی	بین	احراق	احراق	رنج
شب سه شنبه	رنج	زکی	زکی	بین	احراق	رنج	احراق	بین
روز سه شنبه	زکی	زکی	رنج	احراق	احراق	رنج	بین	زکی
شب چهارشنبه	زکی	زکی	رنج	احراق	احراق	رنج	بین	زکی
روز چهارشنبه	رنج	احراق	زکی	زکی	احراق	احراق	بین	بین
شب پنجشنبه	احراق	احراق	بین	زکی	زکی	احراق	بین	بین
روز پنجشنبه	بین	احراق	احراق	بین	رنج	بین	زکی	زکی
شب جمعه	احراق	احراق	رنج	زکی	زکی	رنج	بین	بین
روز جمعه	بین	احراق	احراق	رنج	زکی	زکی	بین	رنج
شب شنبه	رنج	زکی	زکی	بین	احراق	احراق	بین	رنج

جدول الاختیارات علی ادیا الساعات

ساعات	اول و هشتم ۱ ۸	دوم و نهم ۲ ۹	سوم و دهم ۳ ۱۰	چهارم و یازدهم ۴ ۱۱	پنجم و دوازدهم ۵ ۱۲	ششم ۶	هفتم ۷
روز یکشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
اختیارات شب پنجشنبه	کتابت و دیدار ملوک	تزویج و زفاف و سرودن	تعلیم و با دوست نشستن	رسول فرستادن	دیدار دانشمندان	دیدار قضات [illegible]	برده و ستور خریدن
روز دوشنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
اختیارات شب آدینه	رسول فرستادن	بنا و بنیاد نهادن	دیدار امیران رفتن	برده و ستور خریدن	دیدار [illegible]	تزویج و زینت [illegible]	[illegible] نشستن
روز سه‌شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
اختیارات شب شنبه	عرض لشکر دیدن	[illegible] سرودن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دیدن وزرا
روز چهارشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
اختیارات شب یکشنبه	[illegible]	رسول [illegible]	زراعت [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
روز پنجشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
اختیارات شب دوشنبه	دیدار [illegible]	دیدار [illegible]	[illegible]	[illegible]	دیدار [illegible]	[illegible]	[illegible]
روز جمعه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس
اختیارات شب سه‌شنبه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	برده و ستور خریدن	[illegible]
روز شنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
اختیارات شب چهارشنبه	دیدار [illegible]	بنا و بنیاد نهادن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول معرفت دانستن غره هر ماه بحساب عربی

منقول است از خواجه نصیرالدین طوسی علیه الرحمه که اگر خواهی که غره هر ماه را بدانی باید دانست که از آن روز که حساب کنی بدانی که از تاریخ هجرت رسالت پناه محمد صلی الله علیه و آله وسلم چند سال گذشته است باید که هشتصد و هشتاد و نه سال است بطوری در انچه ازین حساب باقی ماند هشت هشت طرح کنی اگر چنانچه یکی بماند مقابل الف است و اگر دو بماند مقابل ب و اگر سه بماند مقابل ج و اگر چهار بماند د و اگر پنج بماند هـ و اگر شش بماند و و اگر هفت بماند ز و اگر هشت بماند ح اما باید که در حساب غلط نکنند والله اعلم بالصواب

	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح
محرم الحرام	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه
صفر المظفر	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه
ربیع الاول	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه
ربیع الثانی	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
جمادی الاول	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه
جمادی الثانی	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه
رجب المرجب	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه
شعبان المعظم	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه
رمضان المبارک	شنبه	پنجشنبه	دوشنبه	جمعه	چهارشنبه	یکشنبه	پنجشنبه	سه‌شنبه
شوال المکرم	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه	سه‌شنبه	شنبه	پنجشنبه
ذیقعده الحرام	سه‌شنبه	یکشنبه	پنجشنبه	دوشنبه	شنبه	چهارشنبه	یکشنبه	جمعه
ذیحجه الحرام	پنجشنبه	سه‌شنبه	شنبه	چهارشنبه	دوشنبه	جمعه	سه‌شنبه	یکشنبه

جدول طنین الاذن از قول حکما دانستن غره هرماه از خواجه نصیر علیه الرحمه

فی طنین الاذن من قول الحکماء

خواص طنین گوش	حرکت گوش و نتیجه اش	
یوم الاحد	نفع برسد	روز یکشنبه
یوم الاثنین	سفر کرده شود و فایده برسد	روز دوشنبه
یوم الثلثاء	زیان بسیار برسد	روز سه شنبه
یوم الاربعاء	از بزرگان نفع و فایده برسد	روز چهارشنبه
یوم الخمیس	حاجت برآورده شود	روز پنجشنبه
یوم الجمعه	بغم والم گرفتار شود	روز آدینه
یوم السبت	خبر غایب بشنود	روز شنبه

دانستن غره هرماه که چه روز خواهد بود

	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۰۲۰	۱۲۱	۱۲۳	۱۳۳	۱۲۳
۸	۱۸۸	۱۸۹	۱۰۹	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵
	۱۸۵	۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷
	۱۰۸۰	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۰۸	۱۷۹
	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۷۹	۱۰۷	۱۷۱
	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۰۶	۱۶۱	۱۵۲	۱۵۳
	۱۴۸	۱۴۹	۱ ۵	۱۴۳	۱۴۳	۱۳۵	۱۵۶	۱۵۵
	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۳۶	۱۴۷
	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹
	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱

جدول الاختیارات علی کون الکواکب متصل بعضها ببعض غیر

الکواکب	الانظار	بالرحل
	ن	بد است اکثر کارها بد بنا و زراعت کردن
	س	نیکوست بهمه کارها خاصه بنا نهادن و زراعت
	ع	میانه است بهمه کارها نیک است از علما و سادات حاجت
	ب	نیک است بهمه مهمات خاصه بنا و زراعت کردن
	ا	بد است بهمه کارها شاید مجادله با وزرا
	ن	نحس است الا تخریب بنا و ریاضت ستوران
	س	نیک است اکثر مهمات خاصه حاجت از وزرا
	ع	بد است بهمه کارها
	ب	نیکست بهمه کارها خاصه زراعت و نو بریدن و پوشیدن
	ا	بد است بهمه امور
	ن	بد است بهمه امور
	س	نیک است طلب حاجت از مشایخ و ملوک
	ع	بد است حذر اولی
	ب	نیک است بهمه مهمات خاصه طلب حاجت از ملوک
	ا	بد است بهمه کارها
	ن	بد است نکاح و زفاف نشاید بنا و زراعت
	س	نیک است بهمه امور خاصه نکاح و نو پوشیدن
	ع	میانه است و اکثر کارها سلا بد است
	ب	نیکست تزویج و نو بریدن و پوشیدن
	ا	بد است جمله مهمات را
	ن	بد است نکاح و زفاف نشاید بنا و زراعت
	س	نیک است بهمه امور خاصه بنا و سفر و زراعت
	ع	بد است بهمه کارها
	ب	نیک است دیدن مشایخ و عمال و مقابله علوم
	ا	بد است حذر اولی
	ن	بد است حذر اولی
احتراق	س	بد است سفر و نکاح و دیدن خوانین و خواجه سرایان
	[illegible]	بد است سفر بهمه امور نشاید حاجت از ملوک
۵	حرم	بهمه امور نیکوست خاصه دیدن عمال
بره	همه	نیکست باکثر کارها خاصه نکاح و نو بریدن و پوشیدن

بقیت جدول اتصالات

الكواكب	الانظار	بالمشتری		
		بد است همه کارها شاید با وزرا مجادله کردن	ن	المریخ
		نیک است همه امور خاصه دیدن امرا و وزرا	س	
		بد است فراغت بهتر	ع	
		نیک است همه کارها خاصه ابتدائات و نو پوشیدن	ب	
		بد است همه امور شاید کتب نحوی شرعیه	ا	
		نیک است نیکو است خاصه نکاح و تعلیم کتابت	ن	الزهره
		همه امور نیکو است عقد و تعلیم موسیقی	س	
		نیک است نکاح	ع	
		همه امور بیار است	ب	
		میانه است اکثر کارها	ا	
		بد است اکثر کارها خاصه تقرب جستن از ملوک	ن	الشمس
		نیک است اکثر کارها خاصه دیدن ملوک و سلاطین	س	
		بد است حذر باید از مخالفات شرعیه شد	ع	
		همه امور محمود است	ب	
		اجتناب از مهمات و کارها اولی است	ا	
		نیک است همه کارها خاصه ابتدا و تعلیم	ن	العطارد
		همه امور نیکو است	س	
		در همه امور توقف اولی است	ع	
		همه امور نیکو است	ب	
		بد است همه مهمات	ا	
		بد است حذر کن	ن	الشمس
		نیک است دیدن امرا و سپاه سالاران	س	
		بد است جمله مهمات را	ع	
		نیک است اکثر کارها و مهمات سعد	ب	
		بد است شاید مجادله	ا	
		توقف اولی است و به مجادله کردن شد	ن	العطارد
		نیک است نکاح و نو پوشیدن بد است قطع کارها	س	
		همه امور شاید بد است خاصه نکاح کردن	ع	
		نیک است دیدن امرا و عمال بد است اکثر امور	ب	
		نیک است همه کارها بد است همه امور	ا	

جدول اتصالات قمر با کواکب

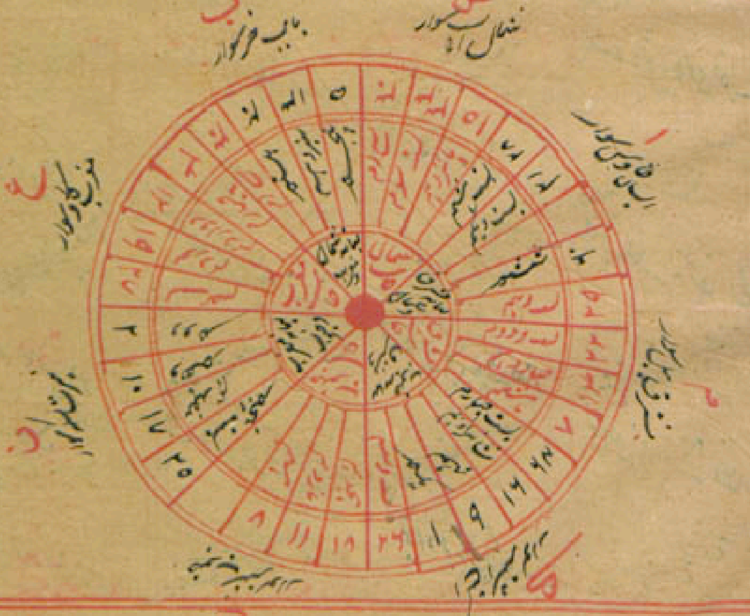
	ن	نیک است کاریز کندن و نقب زدن و شیار کردن نشاید سفر و نو بریدن و عقد و تزویج
اتصال بازحل	س	نیک است دیدن روسا و بنا نهادن و عمارت و زراعت کردن و املاک خریدن
	ع	نیک است ریاضت چهارپایان و کاریز کندن نشاید سفر کردن و تزویج و ابتدای کارها
	ی	نیک است دیدار مشایخ و روسا و املاک خریدن و بنا نهادن و عمارت و زراعت کردن
	ا	نیک است عداوت غایبان و دشمن و ریاضت و قرض دادن و نشاید عقد و تزویج کردن
اتصال بالمشتری	ن	نیک است بنا نهادن مساجد و طلب حقوق و حاجت و مناظرات شرعی و ملاقات پیران و سفر کردن
	س	نیک است دیدن قضات و خواستن حاجات از اشراف بیع و شری و عقد بستن
	ع	نیک است کتب مناظره شرعی و طلب حقوق دینیه با شرکا و قباله نوشتن
	ب	نیک است دیدن قضات و علما و سادات و طلب حاجات و فرزند و نو پوشیدن
	ا	نیک است فصد و حجامت و دعاوی شرعی و طلب ضایع شده و بنای مساجد
اتصال بالمریخ	ن	نیک است صید کردن و قصاص و داغ ستوران و شبیخون زدن و نشاید سفر و تزویج
	س	نیک است دیدار امرا و اتراک و سلاح خریدن و سواری کردن و ابتدای اعمال آتشی
	ع	نیک است بر عدو نشستن و بند و حبس و زجر و ریاضت چهارپای نمودن
	ب	نیک است دیدن پادشاهان و طلب حاجات از امرا و اتراک و تعلیم سلاح و شکار
	ا	هیچ کاری سود نشاید
اتصال بالشمس	ن	نیک است مشورت و خلوت و اسرار نهانی با ملوک و سلاطین نشاید سفر و فصد کردن
	س	نیک است دیدن ملوک و سلاطین و حاجت خواستن از اکابر و طلب فرزند و مهمات
	ع	نیک است غضب و سیاست و طلب فرایح نشاید دیدن اشراف و سفر و رفع حاجات
	ب	نیک است دیدن پادشاهان و سلاطین و حاجت خواستن و اقدام ستدن و ملک خریدن
	ا	نشاید نو بریدن و پوشیدن و عقد و تزویج و شکر خریدن و عطر آمیختن

بقیه جدول اتصالات

اتصال با زهره	ن	نیک است نو بریدن و پوشیدن و عقد کردن و زینت ساختن و عطر آمیختن
	س	نیک دیدن خواتین و زینت و تجملات ساختن و مواصلت کردن
	ع	شاید تعلیم علم موسیقی و عطر آمیختن و تعیش و طرب اشتغال کردن
	ب	نیک است دیدن خواتین و تدابیر فرحها و نشاط و مواصلت کردن
	ا	شاید مواصلت با اهل طرب و سفر کردن و کنیزک خریدن و بحمام شدن و لطافت
اتصال با عطارد	ن	شاید تعلیم علوم و درس نجوم و ابتدای کتابت و شرکت و سفر و تجارت
	س	نیک است دیدن اهل قلم و اشراف قدر و حاجت خواستن از ارباب دولت
	ع	نیک است دیدن اهل دیوان و صحبت و سفر و تجارت و ابتدای کتابت
	ب	شاید بتماشا [illegible] طلب [illegible]
	ا	شاید طلب شهرت و اشتغال [illegible]
حالات قمر	مع الرأس	[illegible]
	مع الذنب	[illegible]
	تحت الشعاع	نیک است کارهای نهانی [illegible]
	شرف	نیک است بنا نهادن و دیدن بزرگان و کارهای ثابت و عقد بستن و زفاف کردن
	هبوط	نشاید نو بریدن و پوشیدن و سفر و تجارت و بیع برده و ستور
	طریقه	نشاید دیدن بزرگان و طلب حاجت و سفر و نو بریدن و پوشیدن
حالات قمر	[illegible]	نشاید طلب حاجات از بزرگان و تجارت و بیع و شرا و حرکت و سفر کردن
	[illegible]	نشاید حمام رفتن و ناخن گرفتن و موی ستردن و اظهار زینت ساختن
	[illegible]	نیک است لهو و لعب و طرب و عشرت و تزویج و تحویل و سفر و استحمام و طلب لذت
	[illegible]	نیک است دیدار زهاد و عباد و حاجیان و غزا کردن و خیرات و حاجات
	[illegible]	[illegible] علما و فضلا و اهل خیر و طلب حاجات ازین طائفه خواستن
	[illegible]	نشاید [illegible] تخریب بناها و قتل و حرب و اظهار عداوت [illegible]

جدول اقطاب از تتمه جدول مذکور قول شیخ محی الدین علیه الرحمه

باز ارباب کشف در همه حال	دیده اند بگمان اغیب رجال	غوث اوتاد قطب هم ابدال	جمله را در جهان تصرفها
خواجه پارسا بفصل خطاب	کرده است شرح این اقطاب	در فتوحات شیخ محی الدین	گفت زاینها طلب تو یار یقین
غوث ساکن بکعبه دان ته دگر	کار شادی کنند به بحر و بر	فرض صبح اقتدا بغوث کنند	پس طرف جای خویش روند
هفت زینشان نقیب هفت نجب	حامی اهل علم اند ہے	بخت قسمت کنند عالم را	زین خردان همی شود پیدا
در زیدکب کط بمشرق جو	در دیب لمکز بمغرب گو	درج ایح کو تو بدیکجنوب	درج بد کجل ذا شمالی خوب
در دکالم بود بشرق شمال	مغرب او صحیح ذاہ حال	الطیوکد جنوبی شرقت	بی خرکه دگر غرب است
پس بهر روز از مه عرب	هفت تن را بکجهت طلب	در جهات جهان شاده مدام	تا رساند بهر و بحر و مقام
خواجه انفس که جوید استمداد	تا از ایشان رسد بمراد	باز در دایره نموده شود	بعد از این شرح حال گفته شود



تتمهٔ جدول مذکور

هفت استغاثه خواستن از اقطاب مذکوره که لمزا هفت تنان گویند

چون درانروز شد ترا معلوم که چه جایست قطب ازین مفهوم کر ترا پیش امده کاری یا که عاجز شوی ز دشواری

چونکه نبود ترا درین تدبیر روبرا نسوی آن ولی فقیر بخضوع و خشوع از دل جان بر خوان کو درود و این بر خوان

دعا خطاب کردن باقطاب و یاری خواستن از ایشان

السلام علیکم یا رجال الغیب السلام علیکم یا ارواح المقدس اعینونی بقوة وانظرونی بنظرة

یا رقبا یا نقبا یا نجبا یا ابدال یا اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی بحرمة محمد صلی الله علیه وآله وسلم

چون بجنبد بهشته جمعه گیسان	بس بانفس کی نو بیان	سوم را بهشت تنهایی	کن توجه بجنبش کی طرار
نظر از من بعلم و دست ز دامان	یاری من شنید [illegible]	یکی طارن نزد او [illegible]	خوش [illegible] کنند [illegible]
تنهیض بنیاد یکی ز رانتیان	برکه برد او خود احسان	[illegible] یمنی بجرب رود	هشت دشمن و ولی قطب بود
[illegible] وانه نشنزاد	و [illegible] کند برادر رو	روی خود کی نجابت ابدان	خواه [illegible] برس بر [illegible]
بیک [illegible]	نا مطلوب شوی نو در هم بین	[illegible]	بابی قطب [illegible]
هم جنس در مجالسی صوا	و [illegible] حالت	کر رعایت کنی طرف و نقی	[illegible]
[illegible]	این قواعد [illegible]	[illegible] اول باب	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول فال

جدول فال ابو معشر بلخی رحمة الله

ابو معشر بلخی رحمة الله وضعی ترکیب نموده که اگر کسی را مهمی پیش آید یا انکه خواهد سفری بکند و یا در کار و اموری کلی شروع نماید باید که ملاحظه کند که از نوروز بلخی چند روز گذشته است ازانچه گذشته باشد جمله را جدول درآورد و درین نقش سی و شش طرح کرده چندانکه ازو ماند و نقش باشد با شمار آن عدد را در جدول نیک باید شروع کند و اگر جدول میانه باید توقف و اگر جدول بد باشد احتراز اولی بود

نیک		میانه		بد	
۱	۴	۲	۵	۳	۶
۷	۱۰	۸	۱۱	۹	۱۲
۱۳	۱۶	۱۴	۱۷	۱۵	۱۸
۱۹	۲۲	۲۰	۲۳	۲۱	۲۴
۲۵	۲۸	۲۶	۲۹	۲۷	۳
۳۱	۳۴	۳۲	۳۵	۳۳	۳۶
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

جدول معرفت سکریولدوز

[illegible]

کمکجن غبشا زف

مشرق ۳ ۱	ما بین مشرق و جنوب ۱۳ ۲۳	جنوب ۱۳ ۲۳
ما بین شمال و مشرق ۱۹ ۲۸	تحت الارض ۵ ۱۹ ۴۹ فوق الارض	ما بین جنوب و مغرب ۱۴ ۳
شمال ۲۶	ما بین شمال و مغرب ۱۶ ۲۶	مغرب ۲۵ ۵۵

جدول احکام الفال والزجر علی مسیر القمر فی البروج

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
لغزیدن پا یا سر نزدیک آب	محبت	غالب	[illegible]	منفعت	زیان	جنگ	غصه	شغل	[illegible]	جنگ	محبت	فرح
آمدن خون از بینی	جاه	محنت	بیم از [illegible]	محنت	[illegible]	محبت	الفت	محنت	مال	محبت	فرح	[illegible]
افتادن چیزی از دست	غصه	[illegible]	جاه	الفت	غصه	ظفر	محنت	[illegible]	غصه	الفت	جاه	فرح
افتادن در چاه	[illegible]	[illegible]	بیم	محنت	[illegible]	[illegible]	جاه	[illegible]	[illegible]	منفعت	[illegible]	[illegible]
شکستن ظروف	غصه	اقبال	غصه	[illegible]	[illegible]	فرح	غصه	فرح	[illegible]	الفت	غم	فرح
آواز [illegible]	[illegible]	غصه	جاه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الفت	غصه	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]
[illegible]	غصه	بیم	[illegible]	شادی	بیم	نعمت	الفت	[illegible]	بیم از [illegible]	[illegible]	[illegible]	غم
خنده در خواب	الفت	محنت	ظفر	غصه	[illegible]	غصه	الفت	محنت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	محنت
افتادن [illegible]	غصه	الفت	[illegible]	[illegible]	جاه	غم	فرح	فرح	فرح	[illegible]	جاه	غم
گریه [illegible]	الفت	[illegible]	غم	[illegible]	[illegible]	ایمن	[illegible]	غالب	[illegible]	[illegible]	عزت	جاه
افتادن قلم از دست	[illegible]	الفت	[illegible]	محمود	[illegible]	[illegible]	[illegible]	سلطان	[illegible]	محمود	[illegible]	[illegible]
دریدن جامه ناگاه	غم	جاه	بیم	غصه	غم	[illegible]	محمود	غصه	غالب	[illegible]	[illegible]	منفعت
دیدن [illegible] ناگاه	غصه	الفت	[illegible]	جاه	شادی	جاه	شادی	کلام	[illegible]	جاه	[illegible]	[illegible]
سوختن جامه	[illegible]	غصه	[illegible]	[illegible]	بیم	[illegible]	سلطان	[illegible]	[illegible]	غم	[illegible]	غصه
[illegible]	[illegible]	[illegible]	غصه	غم	[illegible]	شادی	[illegible]	شادی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آواز در چوب	غم	غصه	اندوه	[illegible]	[illegible]	غصه	[illegible]	[illegible]	عزت	[illegible]	عزت	جاه
افتادن انگشتر از دست	غصه	شادی	[illegible]	[illegible]	غصه	غم	[illegible]	غم	محبت	[illegible]	[illegible]	غم

بقیه جدول احکام الفال

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
دیدن [illegible] ناگاه	منفعت	محمود	محبت	[illegible]	نعمت	[illegible]	منفعت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آواز خروس از راست	الفت	منفعت	[illegible]	جاه	الفت	[illegible]	الفت	[illegible]	الفت	منفعت	محمود	[illegible]
آواز خروس از چپ	محبت	[illegible]	محبت	شادی	[illegible]	[illegible]	بیم	[illegible]	غصه	[illegible]	محبت	[illegible]
آواز [illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	منفعت	الفت	[illegible]	غالب	[illegible]	[illegible]	منفعت	[illegible]	[illegible]
جستن [illegible]	غصه	غالب	[illegible]	غم	غصه	شادی	[illegible]	[illegible]	غصه	غالب	غصه	غم
[illegible] عنکبوت	جاه	[illegible]	غم	غصه	[illegible]	منفعت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اندوه	غم	[illegible]
دیدن [illegible] ناگاه	الفت	الفت	غم	جاه	[illegible]	منفعت	غالب	الفت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	الفت
دیدن روباه ناگاه	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]	غم	جاه	بیم	شادی	[illegible]	غالب	[illegible]	شادی
[illegible]	محنت	[illegible]	غالب	جاه	[illegible]	الفت	[illegible]	غم	جاه	[illegible]	[illegible]	فرح
[illegible] گاه	[illegible]	غصه	[illegible]	[illegible]	الفت	[illegible]	الفت	[illegible]	جاه	محبت	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	الفت	[illegible]	غم	جاه	[illegible]	غم	غصه	غم	[illegible]	[illegible]	شادی
ترسیدن در خواب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	منفعت	الفت	[illegible]	غم	غم	[illegible]	منفعت	الفت	شادی
گریه در خواب	شادی	[illegible]	جاه	[illegible]	منفعت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جاه	[illegible]
بانگ [illegible] وقت	الفت	منفعت	غم	غصه	الفت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شادی
افتادن [illegible]	[illegible]	[illegible]	محبت	الفت	شادی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	غصه	الفت
بانگ کبوتر	[illegible]	جاه	جاه	جاه	الفت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	غصه	[illegible]	[illegible]
آواز آتش	جاه	الفت	غصه	شادی	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]

بقیه جدول احکام الفال

	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
برون رفتن ناگاه	[illegible]	بیم	[illegible]	سفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	بیم	نفع	[illegible]	[illegible]
لرزیدن اندام	[illegible]	جز	رشک	[illegible]	بزم	الفت	دروغ	[illegible]	[illegible]	سفر	عزل	[illegible]
لرزیدن بازوها	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
رنجیدن بوجهی کسی	[illegible]	[illegible]	نام	[illegible]	فوز	الفت	[illegible]	اندوه	راحت	نقصان	الفت	[illegible]
افتادن بند قنوت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اندوه	[illegible]	[illegible]
لطمه شدن جامه بکل	[illegible]	[illegible]	غم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]	غم	[illegible]	[illegible]
بانگ رعد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
شنیدن آب	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	عزت	الفت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دیدن مرده و جنازه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عطسه در سفر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	غم	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
افتادن مگس در وضو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
پاره شدن و سوختن جامه	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]	سلطان	نام	زیان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آیینه شکستن	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	اندوه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
آواز جغد بر در و بام	[illegible]	[illegible]	عزت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دولت	[illegible]	[illegible]	[illegible]
دیدن مار	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
ریختن آب و شراب	[illegible]	ارزانی	نام	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	شادی	[illegible]
شکستن کوزه	[illegible]	[illegible]	[illegible]	دولت	دولت	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

منقول از ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین
در سر تراشیدن و ناخن چیدن و غسل کردن و جامه پوشیدن و قطع کردن و جامه دوختن سعد و نحس

	سر تراشیدن	ناخن چیدن	غسل کردن	جامه پوشیدن	جامه قطع کردن	جامه دوختن
روز شنبه	ناملایمات بیند	علت آورد	بیماری آورد	بیماری آورد	بیماری آورد	صدقه باید داد
روز یکشنبه	ناهمواری بود	وسعت آورد	برکت	غم و اندوه آورد رنج و مشقت بیند	نامبارک بود و آزار یابد و غم بیند	خصومت آورد
روز دوشنبه	دولت و نعمت سعادت آورد	دولت و علم و مال یابد	نعمت و غنیمت زیاده آورد	[illegible]	مصیبت و غم و اندوه آورد	شادی آورد
روز سه‌شنبه	رنج و بیماری و اندوه	خصومت آورد	[illegible]	ضرر و شکست بیند	سوختن و شکستن باشد	زیان آورد
روز چهارشنبه	مال یابد	مال و مراد و حاجات یابد	حسن و نیکی و مراد آورد	جامه دیگر یابد	نعمت و دولت و مال یابد	از پادشاه و عالم نعمت بیند
روز پنجشنبه	غم زنان کند	غم آرد	غنی کند	منفعت بسیار یابد	علم و حلم و مال زیاد	نیکی
روز جمعه	خشنودی خلق و خانه	عزت و رتبه یابد	رنج و غصه بیند	مال و نعمت آورد	فرزند و نعمت آورد	از اضداد و خصم زحمت کشد



اقلیم اول از مشرق بلاد چین باشد بتخانه دار الملک اینست

و کناره بلاد و هند و قندهار و مولتان و زابل و سند و لنت و سیستان و آذربایجان و کرمان

و فارس و اصفهان و اهواز و عسکر و کوفه و بصره و واسط و بغداد و داعت و انبار بکدز دو بحر جزیره

مصر و شام و دمشق و حمص و صوریه و طبریه و قاریه و بیت المقدس و عسقلان و کناره از مصر

و دمیاط و فسطاط و اسکندریه تا بقیروان و بربر و قبایل آن و طنجه و مسجد اقصی و مصر و شام و دمشق و کربلا و کوه

لبنان و شهرها و جبل ابدال و نهاوند و طور سینا و نهر لونا و رود نیل و نهر اندیب و کازرون و ندیجان شهر مغ بادیه

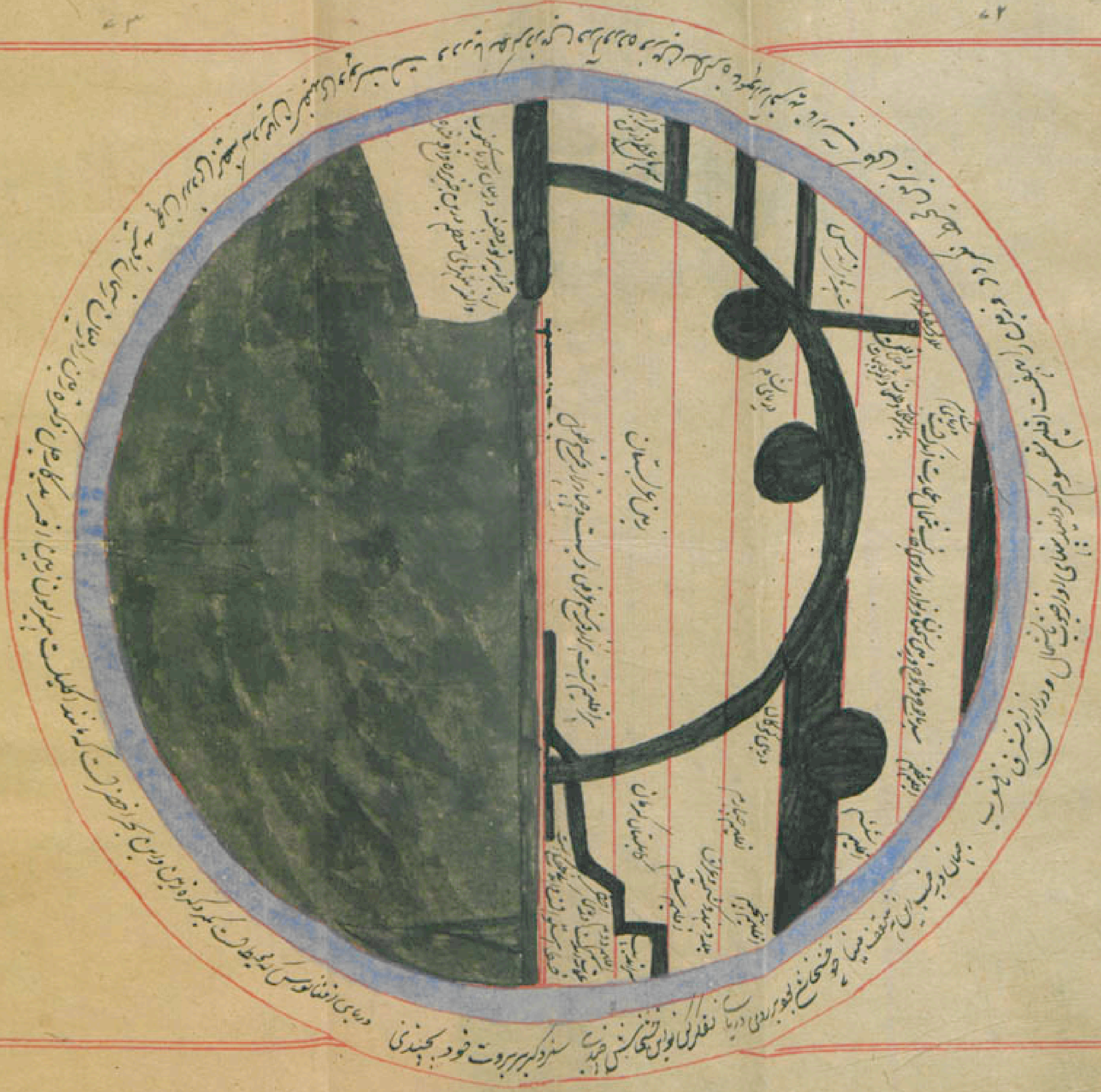
تبریز و بکر و درر مشهور شهر و بیان شهر مدین که در آن شهر طاق کسری کورستان غزنوی شهر دهی و شهر ری

شهرها کرمان شهر بلخ و بکر و مرو و بکر زکفان و حما و بروج و کنج و سلطانیه و ماوند و خیبر و کاشمر

و خوارزم و عراق و نهر دجله یا سند و خزر و شهر یمن و شهر صنطلاتیه بدریای محیط رسید

صورت کره عالم زمین و آبادانی و ویرانی و حصه آب و ظلمات و طلسمات و نامهای شهرهای هفت اقلیم

وصور اقالیم و تعداد بلاد هفت اقالیم



اقلیم ۲ دوم

ابتدای از مشرق بلاد چین پس بگذرد و معظم شهرهای هندوستان
انکین و هرات و لاسور و دهلی و سرهند و زمین بجه و تهانه و لطایف و زمین مکه
و بدریای قلزم نیز بگذرد و زمین سند درآید و بعمان رسد و جزیره عرب و شهرهای
عظیم از عرب بگذرد و در میان شهرهای عظیم مثل افریقیه و بروج و صعید مصر رسد و اسم صفهان
و [illegible] عدان و شهر [illegible] و [illegible] و احسا و بصره و شهر اسکندریه تا شهر سبا [illegible]
تا دریای محیط

اقلیم ۳ سوم

ابتدای آن از مشرق بلاد چین و زیر باد بگذرد و تا بدریای چین
پس بسوی جل دریای جنوب و برخی از طبرستان و گرجستان به کناره آن
سند و جزیره گرک تا بکیچ مکران و هستند شهرهای مغرب و قسمت از عراق عرب و
فارس و جزیره عرب بگذرد و اطراف جبل حجاز درآید و شهرهای جده و مدینه الطیب
و مکه معظمه و [illegible] و حضرموت و صنعا و زبید و [illegible] و عدن و بلاد حبشه و سودان و نوبه
و غابات حبشه و بربر و شهرهای عظیم تا بدریای محیط غربی برسد والله اعلم

اقلیم چهارم

ابتدای ان از بلاد چین باشد و بگذرد به ولایت
جرجر و خطا و ختن و کوههای کشمیر و بلور و بدخشان و کابل و غور
و بلخ و هراة و مرو رود و سرخس و باورد و طوس و نشاپور و سبزوار
و قهستان و قومس و دیلم و جرجان و طبرستان و قم و اصفهان و زنجان
اذربایجان و قزوین و نهاوند و دینور و حلوان و موصل و سایر و نصیبین و
راس العین و [illegible] و [illegible] و [illegible] و حماة و ملطیه و حلب و قنسرین و
انطاکیه و طرابلس و طرسوس و زمین فرنگ تا بدریای شام بگذرد و شهرهای
مغرب و [illegible] شهر [illegible] و [illegible] زنگبار و [illegible] و [illegible] و [illegible]
تا بدریای محیط برسد

اقلیم پنجم

ابتدای ان از بلاد اقصی ترک باشد و بگذرد بر طراز
و فرغانه و قبایل ایشان بگذرد تا بحد کاشغر و بلاد و دیار غوز و [illegible]
و چاچ و استروشنه و سمرقند و بخارا و خوارزم و کیلان و کردستان و مازندران و دشت
قفچاق و [illegible] تا بدریای خزر و زمین و دیار ارمنیه و بردعه و [illegible] و [illegible]
و بحرین و [illegible] و [illegible] و [illegible] و همدان و [illegible] تا [illegible] روم تا بسواحل دریای شام
و شهرهای روم و [illegible] و [illegible] و [illegible] و شهرهای [illegible]
و [illegible] و زمین [illegible] بگذرد تا بدریای محیط برسد

اقلیم ششم

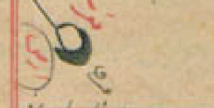
ابتدای ان از مشرق باشد از اعظم شهر ترکستان و شهرها
[illegible] و ولایات طوایف ایشان بگذرد و بمساکن اتراک مشرق
و غول و قبایل ایشان و میان [illegible] جرجان و [illegible] و بر خزر و موقان و ولایات
صقالبه بگذرد تا ولایات والان بگذرد تا فتح الابواب دریای اخضر و [illegible]
و طوس و شهرها دیگر [illegible] نزدیک ظلمات شهرهای عظیم روم مثل قسطنطنیه
و شهرهای [illegible] مثل اندلس و [illegible] و [illegible] روم و [illegible] و
[illegible] تا بدریای محیط برسد

اقلیم هفتم

ابتدای ان از مشرق که نهایت شهرهای مشرق
و قبایل نیز بگذرد به بلاد شمال طرف یاجوج و ماجوج [illegible] موضعی
[illegible] از مساکن [illegible] که مانند وحوش باشند و بس به بلغار و روس و [illegible] صقالبه
برسد و دریای شام بر محیط [illegible] اهالی بعضی ازین شهرها در هیئت [illegible]
و از غایب [illegible] و مخلوقات [illegible] است [illegible] باشد و [illegible] ظلمات بسیار
[illegible] و ظلمات [illegible] تا حد یاجوج و ماجوج و در انجا [illegible]
و جواهر خزاین دنیا [illegible]
[illegible] تا بدریای محیط برسد

جدول معرفت رؤیة الاهلة

عرض قمر شمالی هابط ناقص



[illegible]

عرض قمر شمالی هابط ناقص



شب سه شنبه قری شخص بلند و ظاهر و باریک

عرض قمر شمالی صاعد زاید



شب یکشنبه قری شخص باریک در غایت اعتدال

عرض قمر شمالی صاعد زاید



شب شنبه قری شخص و ثابت بلند و ظاهر

عرض قمر شمالی صاعد زاید



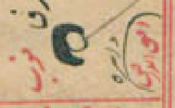
شب پنجشنبه قری شخص بسیار بلند ظاهر

عرض قمر جنوبی صاعد ناقص



شب چهارشنبه قری شخص بلند و ظاهر و باریک

شب جمعه قری شخص باریک و معتدل



عرض قمر شمالی هابط ناقص

شب یکشنبه قری شخص بلند و ظاهر و باریک



عرض قمر جنوبی هابط زاید

شب سه شنبه قری شخص بسیار بلند و ظاهر



عرض قمر جنوبی هابط زاید

شب چهارشنبه قری شخص و بلند ظاهر باریک



عرض قمر جنوبی هابط زاید

شب پنجشنبه قری شخص باریک در غایت اعتدال



عرض قمر جنوبی صاعد ناقص

شب شنبه قری شخص بسیار بلند و ظاهر



عرض قمر جنوبی صاعد ناقص